



مسئله مستجده

۲



کتاب در اندیشه امام علی
بنیادهای فقهی امامیه

حقوق مالکیت فکری

از نگاه فقهی



بنیادهای فقهی مسئله مالکیت فکری
دکتر محمدعلی باقری



www.alFayadh.org

مسائل مستحدثه

(۳)



سوال و جواب پیرامون
حقوق مالکیت فکری
از نگاه فقہی

آیت الله العظمی محمد اسحاق فیاض (دام ظلہ)

ترجمہی سرور دانش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۱ سوال و جواب پیرامون حقوق مالکیت فکری از نگاه فقهی

آیت الله العظمی محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه)

ترجمه‌ی سرور دانش

ویراستار: محمد مهدی مهدوی

صفحه آرا: حسن محسنی

ناشر: دبیرخانه کنگره تجلیل از مقام علمی آیت الله العظمی فیاض (دام ظلّه)

تیراژ:

چاپ دوم: خزان ۱۳۹۲ - کابل

قیمت:

نشانی: کابل، جاده‌ی شهید مزاری، ایستگاه قلعه ناظر

فهرست عناوین

- سخن ناشر ک
- یادداشت مترجم س
- عکس برداری و استفاده از مطبوعات بدون رضایت ناشر ۲۱
- فروش نشریات دارای عکس‌های زنان بی حجاب ۲۴
- خرید و فروش کتاب‌های ضد دین و مذهب ۲۵
- عدم ذکر منابع در نوشته‌ها ۲۶
- حق فروش کتاب و قیمت آن ۲۷
- استفاده از منابع بدون اذن صاحب آن ۲۹
- سرقت ادبی ۳۰
- حقوق مؤلف، ناشر، مخترع و مبتکر ۳۰
- تجدید چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف ۳۱
- تملک روزنامه‌های مربوط به اداره عمومی ۳۲
- چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف ۳۳
- استفاده از روزنامه‌های دارای اسامی متبرکه ۳۴
- استفاده سخنان از منابع بدون ذکر منبع ۳۴
- واردکردن غیر قانونی کتاب ۳۵
- خریدن نشریات وابسته به دشمنان اسلام ۳۶
- نوشته‌های تفرقه‌افکن و توهین‌آمیز ۳۷
- چاپ و نشر کتاب‌های ضالّه ۳۸

- ۳۸..... چاپ کتاب‌های اسلامی با پول خمس و صدقات
- ۴۰..... امانت گرفتن کتاب
- ۴۰..... عکس برداری کتاب، فروش و توزیع آن بدون اجازه مؤلف یا ناشر
- ۴۱..... پدیده غرب زدگی
- ۴۳..... تلخیص، ساده‌سازی و نشر کتاب بدون اجازه مؤلف
- ۴۴..... چاپ قرآن با کاغذهای بازیافت شده
- ۴۵..... رسم و تصویر پیامبران و ائمه (ع)
- ۴۶..... چاپ کتاب‌های دعا
- ۴۶..... بالارفتن از روی کتاب‌ها
- ۴۷..... مصادره کتاب توسط حکومت‌ها
- تکثیر و فروش آثار آیت الله فیاض و مصرف عواید آن در امور خیریه یا منافع شخصی
- ۴۸.....
- ۴۹..... خرید و فروش قرآن کریم
- ۵۰..... حقوق ویرایشگر
- ۵۰..... چاپ سخنرانی‌های دینی
- ۵۱..... تکثیر و فروش کتاب، نوار، فیلم و سریال بدون اجازه مؤلف و ناشر
- ۵۲..... مصرف بیت‌المال در تبلیغات حکومت‌ها
- ۵۳..... نسبت دادن کتاب کسی دیگر به خود
- ۵۳..... تشابه ابداعات شعری و ادبی
- ۵۴..... حق چاپ و نشر کتاب‌هایی که مؤلف یا وارث آن نیست
- ۵۵..... چاپ کتاب‌های دعا برای استفاده عموم
- ۵۵..... آموختن علوم دینی از طریق نوارهای کاست
- ۵۶..... حق مشارکت خوانندگان در تهیه مطالب برای روزنامه‌ها

- نویسندگان توجیه‌گر سیاست‌های حکام و رابطه تروریسم با اسلام..... ۵۸
- رمزگشایی لوح‌های فشرده و تکثیر آن‌ها..... ۶۰
- چاپ کتاب بدون نام مؤلف..... ۶۱
- انتخاب نوع کاغذ، تعداد صفحه و حجم کتاب در قرارداد چاپ..... ۶۱
- تألیف کتاب با نقل و تلخیص کتاب‌های دیگران..... ۶۳
- سیستم عددی برای حفظ کتاب از دستبرد و تحریف..... ۶۴
- نویسندگان دربار و تحریف تاریخ..... ۶۵
- نقد ادبی با متد غربی..... ۶۶
- کتاب‌های طالع‌بینی..... ۶۸
- کتاب‌های کف‌شناسی..... ۶۹
- رابطه برخی ارقام و اعداد در قرآن کریم با اعجاز..... ۶۹
- کنترل و سانسور پایگاه‌های اینترنتی..... ۷۲
- آزادی ادیان و مذاهب..... ۷۲
- افشای رسوایی‌های دشمنان اسلام..... ۷۳
- وظیفه مسلمانان در قبال تبلیغات ضد اسلامی غرب..... ۷۴
- حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی..... ۷۵
- تئوری توطئه، دلایل تک‌قطبی شدن جهان و مسئولیت رهبران سیاسی کشورهای اسلامی..... ۷۷
- سرقت اندیشه‌های علمی برای پیشرفت جهان اسلام..... ۸۱
- معلومات نادرست و گمراه‌کننده از طریق شبکه‌های الکترونیکی..... ۸۲
- چاپ کتاب‌های جادوگری و احضار ارواح..... ۸۳
- جهاد برای آزادی فلسطین..... ۸۴
- همکاری فرهنگیان و متفکران با حکومت‌ها..... ۸۵



- ۸۶..... حکم ارتداد برخی از نویسندگان.....
- ۸۷..... تماشای برنامه‌های مُد برای زنان.....
- ۸۸..... جوایز نقدی حکومت‌ها برای مبتکرین.....
- ۹۰..... خریدن موضوعات و افکار از نویسندگان دیگر.....
- ۹۱..... تکلیف شرعی نویسندگان در شرایط فعلی عراق.....
- ۹۳..... انتساب دیوان‌های شعر به ائمه(ع).....
- ۹۳..... توهین و تکفیر نسبت به مذهب شیعه و شیعیان.....
- ۹۴..... استفاده از سمبول‌های تمدن‌ها و ادیان دیگر در ادبیات.....
- ۹۵..... تهیه رساله دانشگاهی توسط کسی دیگر.....
- ۹۵..... خریداری کتاب‌های ادیان دیگر.....
- ۹۶..... نقل حدیث بدون اطمینان از صحت سند.....
- ۹۶..... نقل به معنای آیات قرآن.....
- ۹۷..... ترجمه نادرست قرآن کریم.....
- ۹۸..... چاپ قرآن در چاپخانه غیر مسلمان.....
- ۹۸..... گذاشتن قرآن کریم در قفسه کتاب یا بر کرسی.....
- ۹۹..... چاپ قرآن با کامپیوتر توسط شخص جُنُب.....
- ۹۹..... تفسیرهای نادرست قرآن کریم.....
- ۱۰۰..... استفاده از متد شک در مطالعات قرآنی.....
- ۱۰۰..... علم جدید و مسایل غیبی.....
- ۱۰۱..... ذکر منبع و سند حدیث.....
- ۱۰۱..... عدم ثبوت صحت برخی روایات.....
- ۱۰۳..... مظلومیت حضرت فاطمه(ع).....
- ۱۰۴..... عدم ثبوت صحت برخی از روایات مربوط به عاشورا.....



- ۱۰۴..... تکلیف دانشجویان در غروب در برخورد با بی حجابی
- ۱۰۵..... ضرورت اعلام خطا برای نویسنده
- ۱۰۶..... نشر عکس نویسنده زن در کنار مقاله وی
- ۱۰۶..... تلخیص و ساده‌سازی کتاب‌های آیت الله فیاض
- ۱۰۷..... عکس و مجسمه ذی روح
- ۱۰۷..... ساختن رنگ از ماده نجس

یادداشت مترجم

در این یادداشت مختصر لازم است به چند مطلب کوتاه اشاره شود: آنچه می‌خوانید ترجمه‌ای است از کتابی به نام «مأة سؤال و سؤال حول الكتابة و الكتاب و المکتبات و جوابها» به قلم مرجع عالی‌قدر حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه). متن عربی کتاب بارها به چاپ رسیده، اما ترجمه فارسی آن برای اولین بار نشر می‌شود. چنان‌که از نام کتاب پیداست، محور اصلی آن، پاسخ فقهی و حقوقی به ۱۰۱ پرسش است درباره:

«کتاب» و «نویسندگی» و مسایل مربوط به آن، از تألیف و نوشتن گرفته تا چاپ، نشر، توزیع، فروش، تجدید چاپ، عکس‌برداری، استنساخ، نقد، نقل، ترجمه، تلخیص، شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای کمپیوتری و غیره. در کنار محور اصلی، مسایلی از قبیل: رسالت و مسئولیت علما، روشنفکران، فرهنگیان و اندیشمندان مسلمان در شرایط حاضر، وضعیت کنونی جهان اسلام،

اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب، اندیشه اعتدال در اسلام، جریان‌های تروریستی و افراط‌گرا، نقد عالمانه و واقع‌بینانه اندیشه‌ها، نظریات خرافی و بی‌بنیاد در میان مسلمانان و پاره‌ای از مسایل اعتقادی و تاریخی و مانند آن نیز در جریان پاسخ به سوالات یا استفتاها مطرح شده است.

چنان‌که می‌دانید این نوع مسایل و مباحث امروزه به نام «حقوق مالکیت فکری» یا «حقوق معنوی» و «کاپی‌رایت» یاد می‌شود و واقعاً از مسایل مستحدثه و نوپیدا است که در رشته حقوق در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و در اکثر کشورها درباره آن قوانینی نیز به تصویب رسیده است. از آن جمله در افغانستان نیز «قانون حمایت حقوق مؤلف، مصنف، هنرمند و محقق (کاپی‌رایت)» و همچنین «قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف» در تاریخ ۳۱/۴/۱۳۸۷ خورشیدی توشیح و در جریده رسمی با شماره ۹۵۶ مؤرخ ۵ اسد ۱۳۸۷ نشر شده است.

برخی از فقها و حقوق‌دانان تلاش کرده‌اند که حقوق معنوی و حقوق تألیف و نشر را از طریق نظریه «مسایل مستحدثه» یا «بنای عقلا» یا «عرف» یا «مسأله ملکیت» یا از طریق «قواعد فقهی مانند قاعده تسلط یا قاعده لاضرر» و یا از طریق طرح «مسأله بیع حقوق معنوی» اثبات نمایند. اما حضرت آیت الله فیاض به این موضوع از نگاه فقهی و شیوه اجتهادی مخصوص به خود نگریسته و با توجه به مبانی اصولی و از آن جمله عدم ثبوت موضوع این مسأله در زمان شارع و عدم ارتکاز فطری



آن در اذهان؛ امضای شارع از طریق عدم صدور منع و ردع را غیر قابل اثبات می‌دانند و از این رو از دیدگاه ایشان، حقوقی به نام «حقوق تألیف، نشر و اختراع» و مسایل مرتبط به آن از نگاه شرعی قابل اثبات نمی‌باشد و شخصی که مالک یک کتاب یا اثر دیگر فرهنگی یا هنری باشد، براساس «اصل مالکیت» حق دارد هر نوع تصرفی را در آن به عمل آورد. ایشان در پاسخ به یکی از سؤالات در این زمینه فرموده‌اند: «حق نشر برای مؤلف و ناشر هرچند نزد عقلا ثابت است، اما از نگاه شریعت ثابت نشده است. دلیل آن این است که ما راهی نداریم برای احراز امضای شارع نسبت به حقوق مستحدثه‌ای که در زمان‌های متأخر از زمان تشریح، در میان عرف و عقلا ایجاد شده است.»

در جای دیگر فرموده‌اند:

«این حقوق هرچند در نزد عرف و عقلا در عصر حاضر ثابت است، اما در زمان معصومین (ع) به جهت عدم ثبوت موضوع آن، ثابت نبوده است. بدین جهت نمی‌توان از طریق عدم ورود منع و ردع از سوی معصومین (ع) امضا و تأیید آن را کشف و احراز کرد.»

جالب است که حضرت آیت الله در پاسخ به یکی از سؤالات که درباره چاپ و تکثیر کتاب‌های خود ایشان مطرح شده نیز فرموده‌اند:

«اشکال ندارد و ما شرعاً حق نداریم از این عمل منع کنیم.»

همچنین در پاسخ به این سؤال که: «آیا اجازه می‌فرمایید که برخی از کتاب‌های جناب عالی برای استفاده خوانندگان جوان، مختصر و ساده

ساخته شود، یا این که لازم است اجازه گرفته شود و با یکی از نمایندگان ها یا یکی از وکلای شما هماهنگی به عمل آید؟» فرموده‌اند:

«در صورتی که فایده دینی داشته باشد، اشکال ندارد و به اجازه خاص ما احتیاجی نیست؛ ولی باید تحت نظر یکی از وکلای ما صورت گیرد.»

باتوجه به اهمیت موضوع از نگاه فقهی و حقوقی، به ترجمه این استفتائات پرداخته شد تا مورد استفاده همه علاقه‌مندان «مسایل مستحدثه» فقهی و حقوقی مخصوصاً علما، اساتید و دانشجویان هموطن ما قرار گیرد. از آنجا که موضوع محوری و اصلی کتاب، حقوق تألیف، نشر و اختراع است و این عنوان در زبان فارسی رایج‌تر است، برای ترجمه فارسی کتاب، نیز به جای ترجمه نام عربی آن، همین نام و عنوان یعنی «حقوق مالکیت فکری از نگاه فقهی» در نظر گرفته شد.

هرچند به یقین باید گفت که این ترجمه، از بیان شیوا، رسا، جذاب و جادویی کم نظیر آثار آیت الله فیاض که همگی به زبان فصیح و بلیغ عربی نگارش یافته، بهره‌مند نیست؛ اما به هر حال در ترجمه، در عین ساده‌نگاری، بر حفظ امانت‌داری و انتقال معانی و مقاصد اصلی، کوشش و تأکید شده و برای سهولت در استفاده و مطالعه خوانندگان، مطالب کتاب عنوان‌گذاری و فهرست‌بندی شده که در متن عربی، این عناوین وجود نداشت.

قابل یادآوری است که دیدگاه‌ها و فتوای حضرت آیت‌الله العظمی



فیاض در مورد «مسائل مستحدثه» مخصوصاً آن بخش‌هایی که به صورت استفتائات و پاسخ به پرسش‌ها بیان گردیده، فعلاً در سه مجموعه ذیل توسط این قلم ترجمه گردیده و در دسترس خوانندگان فارسی زبان قرار می‌گیرد:

۱. «جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام» که مشتمل بر ۲۵ سؤال و جواب بوده و تاکنون چند بار به چاپ رسیده است.
 ۲. «مسائل طبی» که مشتمل بر ده‌ها سؤال و جواب بی‌نهایت مهم در عرصه‌های گوناگون پزشکی است.
 ۳. «حقوق مالکیت فکری از نگاه فقهی» که ترجمه حاضر و مشتمل بر ۱۰۱ سؤال و جواب است.
- امیدوارم این توفیق نصیب گردد که سایر استفتائات ایشان را نیز بتوانم ترجمه کرده در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم.

سرور دانش - کابل

۱۰ سنبله ۱۳۹۲ خورشیدی

برابر با ۲۵ شوال المکرم ۱۴۳۴ قمری

عکس برداری و استفاده از مطبوعات بدون رضایت ناشر

سؤال (۱):

برخی از کسانی که روزنامه‌ها و مجلات هفتگی و مانند آنها را تعقیب و پیگیری می‌کنند، به جای خریداری آنها، مقالات یا ستون‌های خاصی از آنها را در توافق با صاحبان کتاب‌فروشی‌ها یا کارکنان آنها، عکس برداری می‌نمایند. به عبارت دیگر آنان آنچه را می‌خواهند و احتیاج دارند، از طریق کاپی یا تصویر به طور مخفی و دزدانه به دست می‌آورند. آیا این عمل جایز است، در صورتی که ناشران این نوع مطبوعات، به دلیل این که این عمل به نفع آنان نیست، موافقت و رضایت نداشته باشند؟

جواب:

هرگاه این مقالات و مجلات، در مالکیت کتاب‌فروشان باشد، آنان حق دارند هر نوع تصرف را انجام دهند، اعم از عکس برداری، نسخه برداری و غیره و همچنین می‌توانند به دیگران هم اجازه این

کار را بدهند؛ زیرا حق تألیف هرچند نزد عقلا و عرف ثابت است اما نمی توان آن را یک حق شرعی پنداشت. زیرا این موضوع از حقوق مستحدثه بوده و در اذهان، ارتکاز فطری و طبیعی نداشته است. از این رو نمی توان امضای آن را از سوی شارع اثبات کرد. اما کارکنان کتابفروشی ها چون مالک مقالات یا مجلات مذکور نیستند، حق ندارند اجازه تصرف در آن ها را به دیگران بدهند. ولی هرگاه این مقالات و مجلات به عنوان امانت و به منظور فروش و نشر در کتابفروشی گذاشته شده باشد، کتابفروشان حق تصرف به صورت عکس برداری و نسخه برداری از آن ها را ندارند؛ زیرا چنین عملی تصرف بدون اذن در مال غیر می باشد.

سؤال ۲:

آیا مالک کتابفروشی یا کارمند آن در این حالت یک عمل ممنوع شرعی را مرتکب شده است، با توجه به این که در ضمن کار روزمره خود که عکس برداری از اسناد و مدارک توسط ماشین فوتوکاپی است، تنها به فتوکاپی مقالات مذکور پرداخته است؟

جواب:

پاسخ این سؤال از پاسخ سؤال اول روشن می گردد.

سؤال ۳:

آیا مالک کتابفروشی یا کارمند آن می تواند از مجلات و روزنامه ها

استفاده کند؛ بدین معنی که بدون خریداری آن‌ها و بدون موافقه ناشر، به خواندن و مطالعه آن‌ها پردازد؟ مخصوصاً در حالتی که این مطبوعات در میان کیسه‌های پلاستیکی بسته‌بندی شده باشد و کارکن کتاب‌فروشی، آن‌ها را از کیسه بیرون می‌آورد و بعد از مطالعه، دوباره به حالت اول بازمی‌گرداند، با علم به این که این مجلات و جراید در مالکیت کتاب‌فروشی نبوده و با سیستم خاصی به فروش می‌رسد، بدین ترتیب که از تعداد فروخته‌شده، درصد خاصی از سود یا قیمت آن‌ها به کتاب‌فروشی تعلق می‌گیرد و نسخه‌های باقی مانده توسط شرکت توزیع‌کننده بازپس گرفته می‌شود؟

جواب:

تا زمانی که مالکان اصلی مجلات و روزنامه‌ها راضی نباشند، مالک کتاب‌فروشی یا کارکن آن حق استفاده و مطالعه آن‌ها را ندارد؛ در صورتی که این مطالعه، مستلزم تصرف در آن‌ها باشد.

سؤال ۴:

برخی از کتاب‌فروشان، هفته‌نامه‌ها یا فصلنامه‌ها را به بعضی از خوانندگان به اجاره می‌دهند و از آنان برای آن مدت -یک هفته یا سه ماه- مبلغی را به عنوان حق الاجاره دریافت می‌کنند و در پایان آن مدت، کتاب‌فروش، مجلات را دوباره جمع‌آوری می‌کند تا به نماینده شرکت توزیع‌کننده که برای گرفتن شماره‌های قبلی و جای‌گزین ساختن

شماره‌های جدید مراجعه می‌کند، تسلیم نماید. کتاب‌فروش در چنین حالتی برای توزیع‌کننده ادعای کند که هیچ نسخه‌ای به فروش نرسیده است. وی سپس در مورد شماره‌های جدید باز هم همان کار را انجام می‌دهد؛ یعنی آن‌ها را به اجاره می‌دهد. دیدگاه شریعت درباره عمل این شخص چیست؟

جواب:

چنین تصرفی جواز ندارد؛ زیرا خیانت در امانت شمرده می‌شود.

فروش نشریات دارای عکس‌های زنان بی‌حجاب

سؤال ۵:

آیا جایز است که در کتاب‌فروشی‌ها مجلات، روزنامه‌ها و کتاب‌های مشتمل بر تصاویر و عکس‌های زنان بی‌حجاب را به فروش برسانند، در حالی که این تصاویر به گونه‌ای است که بخش‌هایی از بدن زنان مانند: موها، دست‌ها، گردن‌ها و ساق‌های آنان برهنه بوده و لباس‌های تنگی را در تن دارند که مشخصات اندام آنان را نشان می‌دهد، با علم به این که اکثر کتاب‌فروشی‌ها و قرطاسیه‌فروشی‌ها در جوامع ما این مجلات و روزنامه‌ها را بدین دلیل در معرض فروش قرار می‌دهند که مشتریان بیشتری را جلب کنند و آنان را به رفت‌وآمد در این محلات ترغیب و

تشویق نمایند؟

جواب:

فروش آن‌ها فی نفسه جایز بوده و هیچ اشکالی ندارد و تصاویر زنان بی حجاب مانع صحت بیع آن‌ها نمی‌شود. بلی! اگر این کار، موجب بروز مفسد اخلاقی عمومی در جامعه شود، حاکم شرع می‌تواند فروش آن‌ها را منع کند.

خرید و فروش کتاب‌های ضد دین و مذهب

سؤال ۶:

آیا برای کتاب‌فروشی‌ها جایز است که کتاب‌هایی را به فروش رسانند که اسلام را به طور عام یا مذهب اهل بیت (ع) را به طور خاص مورد حمله قرار می‌دهند و پیروان آن را تکفیر نموده و اهل بدعت و ضلالت می‌نامند؟ آیا خریداری از این نوع کتاب‌فروشی‌ها به طور مطلق و کلی جایز است؟ آیا توصیه می‌کنید که با مسئولان این کتاب‌فروشی‌ها با شیوه منطقی و احسن گفتگو شود تا فروش این نوع کتاب‌ها را متوقف کنند؟ اگر این گفتگو باعث ضرر و زیان بر گفتگوکننده شود، حکم آن چه خواهد بود؟

جواب:

فروش و نشر کتاب‌های مذکور به طور کلی جواز ندارد؛ زیرا از بارزترین مصادیق کتاب‌های ضلال و متضمن دروغ‌ها و ادعاهای

باطل در مورد مذهب بوده و موجب آسیب دیدن چهره پیروان این مذهب می‌شود. اما خریدن آن‌ها به منظور آگاهی و نقد و رد آن‌ها اشکالی ندارد. چنان‌که گفتگو با مسئولان آن‌ها با شیوه حکیمانه و با موعظه حسنه و با سخنان منطقی و واقع‌بینانه و بدون شتم و دشنام نیز اشکالی ندارد.

سؤال ۷:

آیا برای مسلمان پیرو اهل بیت (ع) جایز است که چنین کتاب‌هایی را بخرد تا با شبهات و اشکالات صاحبان آن‌ها آشنا شود و آن‌ها را نقد کند، یا این که این کار تنها در صلاحیت علمایی است که توانایی علمی درک، نقد و رد آن‌ها را دارند؟

جواب:

خریداری آن‌ها به منظور آگاهی و رد آن‌ها مجاز است مشروط بر این که قدرت رد و ابطال شبهات آن‌ها را به گونه‌ی قابل قبول، واقع‌بینانه و علمی داشته باشد.

عدم ذکر منابع در نوشته‌ها

سؤال ۸:

برخی از نویسندگان منابع و مآخذ را درباره موضوعات معینی خریداری می‌کنند و سپس به نوشتن بحث‌ها و بررسی‌های خود می‌پردازند. در

حالی که بسیاری از افکار و نظریات را از آن منابع اقتباس کرده‌اند، اما بر خلاف امانت علمی متعارف در شیوه‌های پژوهش علمی، در حواشی یا پاورقی‌های کتاب‌های خود هیچ اشاره‌ای به منابع نمی‌کنند. آیا با این عمل خود مرتکب عمل مخالف شرع می‌شوند؟ آیا ناشران مجازند در عین علم به موضوع، چنین کتاب‌هایی را نشر کنند؟ آیا کتاب‌فروش مجاز است در صورت علم به مسأله این نوع کتاب‌ها را بفروشد؟

جواب:

این عمل هیچ منعی ندارد؛ زیرا امانت علمی مانند امانت مالی نیست که تصرف، تحقیق و اقتباس از آن خیانت تلقی شود. از این رو، هیچ مانعی وجود ندارد که منابع مورد نظر خریدار شود و از نگاه کمیت و کیفیت از آن‌ها استفاده شود، بدون این که در پاورقی از آن‌ها یادی به عمل آید. همچنین از نگاه شرعی هیچ مانعی وجود ندارد که افکار خاصی نقل گردد، بدون این که به نام صاحب آن‌ها اشاره‌ای شود. از آنچه گفته شد پاسخ مسایل بعدی نیز روشن می‌گردد.

حق فروش کتاب و قیمت آن

سؤال ۹:

برخی از کتاب‌فروشی‌ها با برخی از نویسندگان چنین توافق می‌کنند که کتاب‌های آنان را در معرض فروش قرار دهند و در مقابل درصد خاصی از قیمت فروخته شده برای خود برمی‌دارند. این درصد گاهی به طور

متعارف در برخی از مراکز نشر و توزیع به ۴۰٪ هم می‌رسد، ولی در عمل معمولاً ناشر یا کتاب‌فروش این مبالغ را در نزد خود نگه‌می‌دارند و در پرداخت حق مؤلف تأخیر می‌ورزند که گاهی هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها نیز سپری می‌شود تا آنجا که حق مؤلف تزییع شده و هیچ چیزی به او نمی‌رسد و اگر هم چیزی برسد بعد از تأخیر زیاد و مشکلات فراوان. برخی از ناشران هم گاهی این نوع کتاب‌ها را در مخزن خود نگه‌می‌دارند و در محافظت و نگهداری آن‌ها اهمال می‌کنند؛ به گونه‌ای که گاهی این کتاب‌ها تلف می‌شوند و سپس عذر می‌آورند که کتاب‌ها تلف‌شده، پس صاحب آن‌ها حق مطالبه قیمت را ندارد. بسیاری از نویسندگان از این حالت رنج می‌برند. نظر جناب‌عالی در مورد این نوع اعمال ناشران یا کتاب‌فروشان چیست؟

جواب:

کتاب‌فروشان و ناشران مکلفند که کتاب را مطابق شرایط و مقرراتی که بین آنان و نویسندگان و مؤلفان در ضمن قرارداد جعاله تعیین می‌شود، بفروشند یا نشر کنند و هیچ یک از طرفین حق ندارد از این شرایط تخلف بورزد. پس کتاب‌فروش باید قیمت کتاب را در وقت تعیین شده، به مؤلف پرداخت نماید، یا عندالمطالبه مؤلف در صورت رضایت او به تأخیر و یا در صورت اشتراط تأخیر در ضمن قرارداد. همچنین بر کتاب‌فروش و مراکز نشر لازم است که از کتاب‌ها محافظت کرده و در نگهداری آن‌ها تساهل و تسامح ننمایند.

اما هرگاه کتاب در نزد آنان تلف شود، در صورتی که تلف مستند به تقصیر و اهمال آنان باشد، ضامن هستند و باید خساره وارده را بپردازند. ولی اگر در حفظ تقصیر نداشته باشند، ضامن نیستند؛ زیرا آنان امین محسوب می‌شوند و امین ضامن نیست.

استفاده از منابع بدون اذن صاحب آن

سؤال ۱۰:

برخی با مراجعه و حضور در کتاب‌فروشی‌ها، به جستجو و مطالعه منابع و مآخذ می‌پردازند و در این خلال در دفاتر یادداشت‌های مخصوص، از این منابع برای تدوین کتاب‌ها یا سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های خود، به گونه‌ی مخفیانه و بدون اطلاع یا اذن صاحب کتاب‌فروشی، یادداشت می‌گیرند. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

این نوع تصرفات بدون اطلاع یا اذن کتاب‌فروش جایز نیست؛ مگر این‌که چنین اعمالی، عادی و متعارف باشد و صاحب کتاب‌فروشی قبلاً به آن راضی باشد.

سرقت ادبی

سؤال(۱۱):

نویسنده ای با استفاده از فرصت، به سرقت اندیشه یا نظریه معینی از نویسنده دیگری می پردازد و به سرعت آن را به اجرا گذارده و آن اندیشه را به خود نسبت می دهد و نویسنده دیگر ناگهان متوجه می شود که اندیشه یا نظریه او که قصد داشت آن را آغاز و تطبیق نماید، به سرقت رفته است. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

سرقت افکار و نظریات و تدوین آن‌ها در کتاب‌های خود اشکالی ندارد. بلی نسبت دادن آن‌ها به خود جایز نیست؛ چون دروغ محسوب می‌شود.

حقوق مؤلف، ناشر، مخترع و مبتکر

سؤال(۱۲):

آیا به نظر شما مؤلف و ناشر حقوقی دارند؟ مخصوصاً با توجه به این که امروزه در همه وزارت‌خانه‌های فرهنگ و اطلاعات و مراکز چاپ و نشر در همه کشورها این حق به رسمیت شناخته شده و در قوانین مربوط به حقوق مؤلف و حق اختراع و ابتکار گنجانده شده است؟

جواب:

قبلاً گفته شد که حق نشر برای مؤلف و ناشر هرچند نزد عقلا ثابت است، اما از نگاه شریعت ثابت نشده است. دلیل این نظر این است که ما راهی نداریم برای احراز امضای شارع نسبت به حقوق مستحدثه‌ای که در زمان‌های متأخر از زمان تشریح در میان عرف و عقلا ایجاد شده است.

سؤال ۱۳:

نظر جناب عالی در مورد حقوق اختراع و ابتکار علمی در علوم تطبیقی یا علوم محض و اکتشافات مربوط به کیمیا و فیزیک و مانند آن چیست؟

جواب:

پیشتر گفته شد که چنین چیزی از نگاه شریعت ثابت نشده است. در این صورت هیچ مانعی نیست در استفاده از ابداعات و ابتکارات، هرچند شخص مبتکر و اختراع‌کننده در مورد استفاده از آن‌ها رضایت هم نداشته باشد؛ زیرا چنین چیزی تصرف در مالکیت یا حق شرعی او محسوب نمی‌شود.

تجدید چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف

سؤال (۱۴):

برخی از ناشران با یکی از مؤلفان توافق می‌کند که کتاب وی را در مقابل ۱۰٪ از تعداد کل تیراژ آن به چاپ رساند. آیا این ناشر می‌تواند

کتاب مذکور را بار دیگر و بدون اطلاع مؤلف و بدون در نظر گرفتن ۱۰٪ برای او به چاپ برساند؟

جواب:

بلی ناشر می تواند کتاب را بدون حصول موافقه مؤلف، مجدداً چاپ نماید.

تملك روزنامه‌های مربوط به اداره عمومی

سؤال ۱۵:

گاهی یک اداره عمومی در برخی از روزنامه‌ها اشتراک می نماید و به طور طبیعی برای این منظور از بودجه اداره عمومی، مبلغی برای آن تخصیص داده می شود تا مدیران و برخی از کارمندان بتوانند از خواندن و مطالعه آن‌ها استفاده نمایند. آیا این مدیران و کارمندان می توانند این روزنامه‌ها را به منظور تملك، برای خود بردارند، با علم به این که این روزنامه‌ها با پول اداره عمومی خریده شده و معمولاً یک یا چند نسخه از آن‌ها در آرشیف اداره نگهداری می شود تا در صورت نیاز در آینده به آن‌ها مراجعه شود، اما مدیران یا کارمندان آن‌ها را برای خود برمی دارند؟ در این مورد نظر جناب عالی چیست؟

جواب:

تصرف در اموال عمومی در غیر موارد مجاز شرعی، جایز نیست. از این رو کارمندان حق ندارند روزنامه‌هایی را که با مال عمومی



خریداری شده، برای خود بردارند.

سؤال (۱۶):

اما اگر این روزنامه‌ها که برای بخش خصوصی یا عمومی خریداری می‌شود، از کد «مصارف متفرقه» ای خریداری شود که معمولاً بعد از استعمال و استفاده، استهلاک شده و ارزشی نداشته و بعد از استفاده حفظ نمی‌گردد، در این صورت حکم تملک آن‌ها چیست؟

جواب:

در این حالت گرفتن آن‌ها برای خود مجاز است.

چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف

سؤال ۱۷:

برخی از کتاب‌ها فایده زیادی برای جامعه و مردم دارد. آیا جایز است که برخی از مؤمنان صاحب کتاب‌فروشی، این کتاب‌ها را بدون اجازه مؤلفان آن‌ها - مخصوصاً در شرایطی که گرفتن اجازه از آنان مشکل یا غیر ممکن باشد - به چاپ برسانند، با علم به این که ممکن است ناشر در صورت شکایت مؤلف کتاب یا ورثه او به دادگاه مربوطه، با مشکلات قانونی و حقوقی هم مواجه شود؟

جواب:

هرگاه کتاب در مالکیت صاحب کتاب‌فروشی باشد چنان‌که ظاهر

همین است - از نگاه شرعی برای او جایز است که به چاپ و نشر آن اقدام کند؛ زیرا گفته شد که حق تألیف از نگاه شریعت به اثبات نرسیده است.

استفاده از روزنامه‌های دارای اسامی متبرکه

سؤال ۱۸:

آیا جایز است از روزنامه‌ها استفاده‌های دیگری صورت گیرد؛ مانند: غذا خوردن روی آن‌ها، پاک کردن شیشه با آن‌ها و یا پیچیدن جعبه‌ها و امثال آن؛ با علم به این که معمولاً روزنامه‌ها از نام خداوند (ج)، پیامبر (ص) ائمه (ع)، آیات قرآن کریم و احادیث شریف خالی نیست؟

جواب:

در صورتی که به طور اجمالی علم داشته باشد به وجود نام خدا یا آیات قرآنی یا نام‌های پیامبران و ائمه (ع) استفاده از روزنامه در اموری که هتک و توهین محسوب شود، جایز نیست.

استفاده سخنان از منابع بدون ذکر منبع

سؤال ۱۹:

آیا برای سخنان یا کنفرانس دهنده جایز است که قسمت‌ها یا موضوعاتی را از کتاب‌ها حفظ کند و بدون اشاره به منابع و مآخذی که استفاده

کرده، برای عامه مردم القا نماید؟ با علم به این که عدم ذکر منابع، ممکن است برای مخاطب این توهم را پدید آورد که گویا سخنران یا استاد، این موضوع را با اجتهاد شخصی خود آماده کرده است؛ در حالی که در واقع آن موضوع از اجتهاد دانشمند دیگر یا کتاب دیگری بوده است. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

برای خطیب یا کنفرانس دهنده واجب نیست که منابع سخنان خود را نام ببرد. چنان که بر مؤلف نیز واجب نیست که در پاورقی کتاب خود، منابع نظریات و آرای مندرج در کتاب را نام ببرد و توهم مردم درباره این که این موضوع از اجتهادات خود او است، تأثیری ندارد. زیرا او در مقام تألیف یا القای سخنرانی، مکلف به دفع توهم مردم درباره خود نیست.

وارد کردن غیر قانونی کتاب

سؤال ۲۰:

وزارت خانه های اطلاعات برخی از کشورهای عربی و اسلامی، ورود کتاب به کشورهای خود را کنترل می کنند. در صورتی که کتاب های مربوط به مذهب اهل بیت (ع) را ببینند، آنها را مصادره کرده و در آینده حریق می کنند. از این رو، برخی از مؤمنین برای وارد کردن این نوع کتاب ها به راه های دیگری متوسل می شوند که برای آنان خطرات بزرگی

نیز در پی دارد. آیا علی‌رغم علم به این خطرات و نتایج منفی آن، اقدام به وارد کردن این کتاب‌ها جایز است؟

جواب:

در صورتی که توسل به این شیوه‌ها خطرات زیاد یا نتایج منفی نسبت به مذهب داشته باشد، جایز نیست.

خریدن نشریات وابسته به دشمنان اسلام

سؤال ۲۱:

آیا خریدن کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌های خارجی که توسط ناشران یهودی دشمن اسلام، نشر می‌شود، جایز است؟ مخصوصاً اگر خریدن آن‌ها از این باب باشد که «هرکس زبان قومی را بداند، از شرّ آن‌ها در امان خواهد بود» و با خریدن آن‌ها بتواند بفهمد که دشمنان اسلام و امت اسلامی چه می‌نویسند و به چه می‌اندیشند. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

خریدن این نوع مجلات و روزنامه‌ها اشکالی ندارد؛ مخصوصاً که به منظور یک غرض صحیح عقلایی - چنان‌که در سؤال آمده است - صورت گیرد.

نوشته‌های تفرقه‌افکن و توهین‌آمیز

سؤال ۲۲:

برخی از نویسندگان گاهی در موضوعات بسیار حساسی وارد می‌شوند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب تفرقه در میان ملت می‌گردد. مثل این‌که اختلافات بین جریان‌های اسلامی را دامن می‌زنند و این‌که فلان عالم یا فلان مرجع تقلید و فلان نویسنده چه گفته و از این طریق اتهاماتی را مطرح می‌کنند. گاهی هم از یک چیز ساده با یک تفسیر غلط و نادرست، موضوع بزرگی می‌سازند که اذهان مردم را مشوش ساخته و اعتماد مردم را به این یا آن عالم متزلزل می‌گردانند. به نظر شما آیا خریدن این نوع کتاب‌ها مجاز است؟ آیا واقعاً خواندن آن‌ها جایز است؟ آیا واجب است که این نوع کتاب‌ها با نوشته‌های هدفمند و واقع‌بینانه نقد و ردّ شود؟

جواب:

خریدن و نشر چنین کتاب‌هایی به طور کلی جواز ندارد؛ زیرا موجب مفسده بزرگی بوده و با تأثیر بر اذهان، اعتماد مردم به علما و در نهایت اعتقاد به دین و مذهب را متزلزل می‌گرداند. اما نقد آن‌ها به شکل علمی و عینی و به طور دقیق و واقعی و بیان منابع، مغالطات و نظریات باطل آن‌ها، بدون توسل به شتم و دشنام، لازم است.

چاپ و نشر کتاب‌های ضالّه

سؤال ۲۳:

برخی از ناشران، کتاب‌های اسلامی هدفمندی را نشر می‌کنند، ولی گاهی کتاب‌هایی را چاپ می‌کنند که در مورد محتوا و رویکرد مؤلفان آنها ملاحظاتی وجود دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است این نوع کتاب‌ها کتاب ضلال محسوب شود. اما استدلال این ناشران این است که آنها یک مرکز تجارتي هستند و برای هر کس که قیمت چاپ را بپردازد، چاپ می‌کنند. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

هرگاه این کتاب‌ها از نوع کتاب‌های ضلال محسوب شود، چاپ و نشر آنها جایز نیست. اما اگر کتاب ضلال محسوب نشود و تنها مشتمل بر مطالب و نظریات باطل و نادرست و غیر مؤثر در اذهان مردم باشد، مانند بسیاری از کتاب‌هایی که در بازار مسلمین نشر می‌شود، چاپ و نشر آنها اشکال ندارد.

چاپ کتاب‌های اسلامی با پول خمس و صدقات

سؤال ۲۴:

آیا می‌توان کتاب‌های اسلامی هدفمند را که در موضوعات مختلف مورد نیاز روزمره مردم نوشته شده، از وجوهات شرعی، یعنی خمس،

چاپ کرد، مثل این که نویسنده با یکی از وکلای شما توافق کند که چاپ کتاب تمویل شود با پول خمسی که وی در سر سال خود به وکیل پرداخت می کند. آیا این توافق کافی است یا لازم است در این مورد، اجازه خاصی از جناب شما گرفته شود؟

جواب:

در صورتی که وکیل ما چاپ کتاب را مصلحت بداند، اجازه خاص از ما لازم نیست.

سؤال ۲۵:

یکی از مؤمنین مبلغی را از شخص نیکوکاری دریافت کرده تا آن را در مورد ایتم مسلمین مصرف نماید، با علم به این که این مبلغ از خمس نیست و یک نوع تبرع یا صدقه است، آیا می توان این مبلغ را به وکیل شما داد تا چاپ کتاب های اسلامی هدفمند در موضوعات مختلف مورد نیاز عامه مردم را تمویل کند تا فایده آن به همگان برسد؟ یا لازم است این مبلغ - چنان که آن شخص نیکوکار خواسته است - تنها در مورد ایتم مسلمین مصرف شود؟

جواب: بلی دادن مبلغ به وکیل ما مجاز است. ولی اگر شخص نیکوکار، مورد مصرف آن را تعیین کرده باشد مثل ایتم مسلمین، باید در همان مورد مصرف شود و اگر تعیین نکرده باشد، می توان آن را با رعایت اهمّ فالأهمّ، در هر امر خیری مصرف کرد.

امانت گرفتن کتاب

سؤال ۲۶:

بسیاری از فرهنگیان عادت دارند که کتاب‌ها را از دیگران برای مدت محدودی به امانت و عاریه می‌گیرند، ولی در بازپس دادن آن تأخیر می‌کنند. گاهی این تأخیر به چندین سال کشیده می‌شود، تا آنجا که صاحب کتاب مأیوس شده یا به کلی فراموش می‌کند. زمانی که به یاد می‌آورد و کتاب را مطالبه می‌کند، آن شخص ادعا می‌کند که کتاب گم شده یا کسی دیگر آن را از او گرفته است و یا عذر معمولی دیگری را مطرح می‌کند. در این مورد نظر جناب عالی چیست؟

جواب:

تأخیر در بازپس دادن کتاب‌ها از مدت تعیین شده، جایز نیست و اگر از باب تسامح و سهل‌انگاری تأخیر نمایند، گناه کرده‌اند. اگر کتاب‌ها از بین برود و تلف شود ضامن هستند.

عکس‌برداری کتاب، فروش و توزیع آن

بدون اجازه مؤلف یا ناشر

سؤال ۲۷:

آیا جایز است کتاب‌ها و نشرات اسلامی هدفمند، از طریق کاپی یا عکس‌برداری و بدون اجازه از صاحبان یا ناشران آن‌ها، تکثیر و سپس

فروخته شود، یا رایگان توزیع گردد؟ با علم به این که این نوع کتاب‌ها در برخی از کشورها ممنوع هستند و با علم به این که تکثیر این کتاب‌ها و نشرات، موجب افزایش آگاهی اعتقادی و شناخت جامعه و نسل جدید در مورد فرهنگ اصیل اسلامی می‌گردد؟

جواب:

بلی! جایز است و قبلاً گفته شد که برای صاحب یا ناشر کتاب، از نگاه شرعی، حق منع به اثبات نرسیده است. پس اگر شخصی این کتاب‌ها و نشرات را بخرد، می‌تواند به تکثیر آن‌ها از طریق عکس برداری و نسخه برداری و یا چاپ و نشر بپردازد.

پدیده غرب زدگی

سؤال ۲۸:

برخی از فرهنگیان و روشنفکران در جوامع ما، تحت تأثیر بسیاری از نظریات غرب در عرصه‌های فرهنگ، اندیشه و ادب قرار می‌گیرند تا آنجا که همان رویکردها را در زندگی خود مورد عمل قرار می‌دهند و به گونه‌ای ریشه‌ها و منابع فرهنگ و اندیشه اصیل موجود در میراث بزرگ اسلامی را نادیده می‌گیرند. هنگامی که مؤمنین با آنان در این مورد هم‌سخن شوند، پاسخ آنان توهین آمیز بوده و گاهی متدینین را به واپس‌گرایی، ارتجاع یا سنتی بودن متهم می‌کنند، در حالی که این خلاف واقعیت است؛ زیرا همگی می‌دانیم که حوزه علمیه و استادان آن از دین

اسلام محافظت و پاسداری می‌کنند، اما به آشنایی و اطلاع از اندیشه‌های دیگر به گونه تطبیقی و مقایسه با روش اسلامی به منظور اثبات حق و ابطال باطل، نیز دعوت می‌نمایند. نظر شما در مورد این دسته از روشنفکران چیست؟ و مؤمنین را در رویارویی با آنان چه هدایت می‌دهید؟

جواب:

سبب و منشأ این حالت امور ذیل است:

۱. عدم اطلاع و ناآشنایی آنان با میراث و فرهنگ اسلامی.
 ۲. دیدگاه آنان درباره پیشرفت غرب در فرهنگ و سنت‌ها.
 ۳. تأثیر تبلیغات گمراه‌کننده بر ضد اسلام و مسلمین.
- وظیفه مؤمنین در برخورد با آنان باید توأم با حکمت، موعظه حسنه، سخنان نیک و با گشاده‌رویی باشد؛ زیرا چنین برخوردی موجب دوستی و محبت شده و بر آنان تأثیر خواهد گذاشت. اما وظیفه علما در این مورد این است که آنان را به دین اسلام و فرهنگ و ارزش‌های انسانی اعتدال‌گرای آن ارشاد نمایند و این که اسلام تنها دینی است که می‌تواند مشکلات بزرگ انسانی را حل کند و انسان را به انرژی بزرگ معنوی و ملکات فاضله و اخلاق پسندیده مجهز گرداند. زیرا فرهنگ اسلامی که در حقیقت عبارت از وظایف عملی الهی است، نقش مهمی در تربیت انسان دارد و او را با دین و ایمان به خداوند یکتا و بی‌همتا آشنا می‌گرداند. این

ایمان، سلوک و رفتار انسان را در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی مهذب و آراسته می‌سازد. در حالی که فرهنگ مبتذل در غرب، انسان را به غرایز حیوانی و شهوات نفسانی مجهز ساخته و از ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی تهی می‌گرداند.

بر جوانان ما که برای تحصیلات عالی به غرب می‌روند لازم است که برای کسب تکنیک‌های عالی و تکنالوژی پیشرفته در طب، انجینیری، اقتصاد، علوم فضایی و غیره تمام همت و کوشش خود را به کارگیرند و در عین حال سنت‌های اسلامی و فرهنگ انسانی خود نیز پاس دارند و هنگام بازگشت به کشور خود، خدمات عالی علمی و فنی را ارایه نمایند و زمینه تحول و تکامل وطن خود را گام به گام فراهم کنند تا سرانجام جامعه‌شان به یک جامعه مترقی و پیشرفته تبدیل شود.

تلخیص، ساده‌سازی و نشر کتاب بدون اجازه مؤلف

سؤال ۲۹:

برخی از کتاب‌های اسلامی توسط مؤلفان آنها با شیوه‌ای نگارش یافته که برای بسیاری از مردم قابل فهم نیست؛ گویا آنها تنها برای نخبگان، فرهنگیان و اندیشمندان تألیف شده است. نظر جناب شما چیست اگر

کسی این نوع کتاب‌ها را خلاصه و ساده گرداند و سپس برای استفاده عامه مردم به چاپ برساند؟ آیا گرفتن اجازه از مؤلفان آن‌ها لازم است؟
جواب:

گرفتن اجازه لازم نیست؛ زیرا گفته شد که آنان از نگاه شرعی حق منع از چاپ و نشر و همچنین تلخیص آن‌ها را ندارند و چاپ و نشر و خلاصه کردن، از نگاه شرعی نه تصرف در ملک مؤلفان است و نه تصرف در حق آنان.

چاپ قرآن با کاغذهای بازیافت‌شده

سؤال ۳۰:

برخی از شرکت‌های تجارتي و سرمایه‌گذاری به بازیافت اوراق کاغذ می‌پردازند؛ بدین ترتیب که کاغذهای باطله را از زباله‌دانی‌ها و مانند آن جمع‌آوری نموده با شیوه‌های صنعتی به تولید مجدد آن به عنوان کاغذ چاپ می‌پردازند. آیا چاپخانه‌ها و مراکز نشر می‌توانند این نوع کاغذها را برای چاپ قرآن شریف و کتاب‌های دینی خریداری نمایند؟ با علم به این که این کاغذ قبلاً مصرف‌شده و به زباله‌دانی و محلات جمع و حفظ زباله انداخته شده و چه بسا ممکن است در آن‌ها چیزهایی چاپ شده باشد که با آداب دینی یا با تعالیم دین اسلام به طور کلی منافات داشته باشد؟
جواب:

بلی! خریداری آن جایز است و استعمال آن در چاپ قرآن و سایر

کتاب‌های دینی اشکال ندارد؛ مشروط بر این‌که علم به نجاست آن وجود نداشته باشد، یا این‌که در خلال بازیافت صنعتی و تبدیل به کاغذ جدید، پاک ساخته شده باشد. اما این‌که در آن‌ها قبلاً چیزهایی چاپ شده باشد که با آداب دینی یا تعالیم اسلام منافات داشته باشد، باید گفت که اکنون آن نوشته‌ها با از بین رفتن و زوال موضوع، از بین رفته و زوال یافته و اکنون کاغذ جدیدی است که در آن هیچ چیزی منافی آداب نوشته نشده است.

رسم و تصویر پیامبران و ائمه (ع)

سؤال ۳۱:

برخی از مراکز نشر، داستان‌های مصوّر از پیامبران و ائمه (ع) را چاپ می‌کنند. آیا جایز است مطابق اوصافی که در روایات درباره انبیا و ائمه (ع) نقل شده، رسم‌ها و تصویرهای تقریبی از آنان، طرح و نشر شود؟
جواب:

اظهار جواز تصویر و ترسیم انسان است؛ ولی این کار عمل نیکو نیست.

چاپ کتاب‌های دعا

سؤال ۳۲:

برخی از نویسندگان کتاب‌های دعا را چاپ می‌کنند و در آن‌ها می‌نویسند که این کتاب توسط آنان تهیه شده است. با علم به این که کتاب‌های دعا توسط برخی از علمای بزرگی تهیه شده که خود آنان به‌عنوان این که مجتهد بودند، دعاها را روایت می‌کردند و یا این که اجازه نقل روایات پیامبر(ص) و ائمه اهل بیت(ع) را از مجتهد دیگر داشتند. آیا چنین عملی صحیح است؟ آیا باید اجازه نقل روایت را داشته باشند؟ آیا بر آنان لازم است که منابع مورد اعتماد خود را ذکر نمایند؟

جواب:

برای آنان کسب اجازه روایت شرط نیست. همچنین برای آنان واجب نیست که منابع نقل دعا را ذکر نمایند.

بالارفتن از روی کتاب‌ها

سؤال ۳۳:

در برخی از کتاب‌فروشی‌ها و مخازن کتاب یا مراکز نشر، زمانی که می‌خواهند کتاب‌ها را از ردیف‌های بالای قفسه‌ها پایین بیاورند، بر روی کتاب‌های دیگر یا بسته‌ها و کارتن‌های کتاب‌ها بالا می‌شوند، درحالی که ممکن است این کتاب‌ها مشتمل بر آیات قرآن و احادیث شریف باشند. آیا

این عمل آنان اهانت به قرآن کریم و احادیث شریف محسوب می‌گردد؟

جواب:

اگر آن‌ها مشتمل بر آیات قرآن و نام خداوند یا کتاب‌های دینی باشد و کسی که بر روی آن‌ها بالا می‌شود نیز ملتفت به این موضوع باشد، بالاشدن بر روی آن‌ها جایز نیست؛ زیرا هتک و اهانت آن‌ها محسوب می‌شود. اما اگر ملتفت به این موضوع نبوده و غافل باشد، اشکالی ندارد. ولی بر صاحبان کتاب‌فروشی‌ها لازم است که این بسته‌ها و کارتن‌ها را پله یا وسیله بالارفتن قرار ندهند.

مصادره کتاب توسط حکومت‌ها

سؤال ۳۴:

برخی از حکومت‌ها هر کسی را که موافق خودشان نباشد، بر ضد خود می‌پندارند؛ لذا مانع از اظهار آرا و نظریات مخالف خود شده و کتاب‌ها و تألیفات برخی از علما و متفکرین را در صورتی که مخالف سیاست و شیوه حکومتداری آنان باشد، مصادره نموده یا آتش می‌زنند و این عمل خود را چنین توجیه می‌کنند که این کتاب‌ها و نظریات بر ضد دولت و مصالح عمومی می‌باشد. تکلیف شرعی مؤمنین در مقابل این اعمال حکومت‌ها چیست؟

جواب:

مصادره اموال مردم، اعم از کتاب یا غیر آن، جایز نیست. تکلیف

مردم در مقابل این نوع حکومت‌ها، مخالفت و محکوم کردن این نوع اعمال غیر شرعی، در حدود مجاز شرعی است. منظور از حدود مجاز شرعی این است که مخالفت کردن، باعث ایجاد هرج و مرج در کشور و روشن کردن آتش فتنه و اخلال در امنیت یا اتلاف اموال اشخاص بی‌گناه و خونریزی نگردد.

تکثیر و فروش آثار آیت الله فیاض و مصرف عواید آن در امور خیریه یا منافع شخصی

سؤال ۳۵:

برخی از دولت‌ها مانع ورود بسیاری از کتاب‌های اسلامی هدفمند می‌شوند. آیا اجازه می‌دهید که کتاب‌های شما در این جوامع تکثیر و عکس برداری شده و فایده فروش نسخه‌های عکس برداری شده، در برنامه‌ها و پروژه‌های اسلامی مانند مساجد و حسینیه‌ها و اقامه عزاداری‌ها و کمیته‌های کمک به ایتم و ازدواج‌های دسته‌جمعی مصرف شود؟

جواب:

بلی! هیچ اشکالی ندارد و این یک پروژه خوب و عمل نیک و خدمت به جامعه است.

سؤال ۳۶:

نظر شما درباره کسی که این کتاب‌ها را برای منافع شخصی خود تکثیر

نموده و بفروشد چیست؟

جواب:

اشکالی ندارد. ما شرعاً حق نداریم از این عمل منع کنیم.

خرید و فروش قرآن کریم

سؤال ۳۷:

برخی از کتاب‌فروشی‌ها بر روی قرآن‌ها به نیت فروش، قیمت‌هایی را تعیین می‌کنند، در حالی که معروف این است که قرآن شریف باید با نیت هدیه فروخته شود. به نظر جناب‌عالی کتاب‌فروشی‌ها چه باید بکنند تا با این مانع شرعی مواجه نشوند و قیمت را هم بر روی قرآن‌ها نچسبانند؟ شیوه شرعی به دست آوردن قرآن از کتاب‌فروشی‌ها چیست؟

جواب:

فروختن قرآن کریم حتی به کافر اشکالی ندارد؛ مخصوصاً اگر غرض از خریدن، اطلاع و آشنایی با احکام شرعی و معارف اسلامی باشد. بلی! اگر بداند که فروش قرآن به کافر منجر به هتک حرمت قرآن و توهین به کرامت آن می‌شود، جایز نیست.

حقوق ویرایشگر

سؤال ۳۸:

بعضی از سخنرانان و کنفرانس دهندگان، ویرایش سخنرانی‌ها و درس‌های خود را به دیگران واگذار می‌کنند. ویرایشگر آن‌ها را از نوارها پیاده نموده و با تعدیل در شیوه بیان، به زبان عربی فصیح و رسا می‌نگارند. سپس صاحبان آن‌ها بدون اشاره به نام ویرایشگر - هرچند به عنوان یک تقدیر و تشکر - در مقدمه یا خاتمه و تنها به نام خود چاپ می‌کنند، در حالی که این عمل، تضييع حق معنوی ویرایشگران ادبی محسوب می‌شود. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

چاپ آن‌ها به نام خود و بدون اشاره به نام ویرایشگر اشکالی ندارد؛ زیرا در این عمل تضييع حق وجود ندارد. چون وجود چنین حقی از نگاه شرعی ثابت نشده است.

چاپ سخنرانی‌های دینی

سؤال ۳۹:

آیا هر ناشری می‌تواند سخنرانی‌های دینی هر سخنران را چاپ کند؟ مخصوصاً با این فرض که خود سخنران فوت کرده و گرفتن اجازه از ورثه او هم مشکل است.

جواب: بلی! این کار جایز است؛ زیرا گفته شد که حق تألیف شرعاً ثابت نشده است.

تکثیر و فروش کتاب، نوار، فیلم و سریال بدون اجازه مؤلف و ناشر

سؤال ۴۰:

برخی از کتاب‌فروشی‌ها و بعضی از فروشندگان سیار، کتاب‌های قاچاقی را با قیمت‌های چند برابر می‌فروشند. نظر شما در این مورد چیست؟ همچنین برخی هم کتاب‌هایی را که با ماشین فتوکاپی نسخه‌برداری کرده‌اند می‌فروشند. عده‌ی دیگر هم نوارهای ویدیویی فیلم‌ها و سریال‌های اسلامی و برنامه‌های دینی را تکثیر کرده برای منافع شخصی خود به فروش می‌رسانند. آیا این عمل آنان جایز است؟ مخصوصاً با توجه به این که در روی صفحه کتاب‌ها و نوارها این عبارت نوشته شده که: «حقوق چاپ محفوظ است» و با تأکید می‌توان گفت که صاحبان این کتاب‌ها و نوارها یا ناشران و تولیدکنندگان آنها راضی نیستند؛ چون این عمل باعث ضرر آنان می‌شود؟

جواب:

همه اعمال ذکر شده جایز است؛ زیرا گفته شد که حق تألیف و حق چاپ از نگاه شرعی ثابت نیست.

مصرف بیت‌المال در تبلیغات حکومت‌ها

سؤال ۴۱:

آیا از نگاه شرعی هر نوع نظام حکومتی می‌تواند بیت‌المال مسلمین را صرف تبلیغات این نظام و بدگویی مخالفین و رقبای خود نماید، آن هم با استفاده از شیوه‌های گوناگون تبلیغاتی در روزنامه‌ها، مجلات، نشرات، شبکه‌های الکترونیکی و غیره؟

جواب:

برای هیچ نظامی از نگاه شرعی روا نیست که بیت‌المال مسلمین را [چنین] مصرف کند؛ زیرا این اموال باید در راه مصالح اسلام و مسلمین مانند: اعمار و تأسیس انستیتوت‌های اسلامی، مدارس دینی، حوزات علمیه، نشر فرهنگ دینی و اندیشه‌های اسلامی با همه شیوه‌های ممکن مصرف شود. بلی هرگاه نظام حکومتی، یک نظام اسلامی و مبتنی بر اساس اصل حاکمیت خداوند یکتا و بی‌همتا باشد، می‌تواند از بیت‌المال به نفع نظام استفاده کند. بدین جهت که در رأس این نظام در زمان حضور، پیامبر اکرم (ص) یا یکی از ائمه اطهار (ع) و در زمان غیبت هم فقیه جامع شرایط و اعلم قرارداد.

نسبت دادن کتاب کسی دیگر به خود

سؤال ۴۲:

اگر نویسنده‌ای به سرقت کتاب مؤلف دیگری دست زده و آن را به خود نسبت دهد، حکم شرعی آن چیست؟

جواب:

این عمل جایز نیست؛ زیرا نسبت دادن کتاب به خود، با این که آن کتاب از دیگری است، دروغ است.

تشابه ابداعات شعری و ادبی

سؤال ۴۳:

نظر شما درباره توارد و تشابه خیال یا اندیشه چیست؟ به عنوان مثال گاهی شاعری در کشوری، اشعاری را می‌سراید و شاعری دیگر در کشور دیگر عین همان شعر یا مشابه آن را می‌سراید، بدون این که دو شاعر سابقه ارتباط با همدیگر داشته باشند. علمای روان‌شناسی از این حالت سخن گفته‌اند. اما آیا این حالت در اندیشه دینی ما بنیاد یا تفسیری دارد؟

جواب:

برای این پدیده در اندیشه‌های دینی تفسیری وجود ندارد. البته این پدیده اگر دایمی باشد، تصادفی هم نخواهد بود؛ زیرا تصادف هیچگاه دایمی نیست. بلکه باید گفت چنین حالتی ناشی از تقارب

بین دو شاعر از نگاه نیروی ابداع، نظم شعری، فن و متد ادبی می‌باشد. والله العالم.

حق چاپ و نشر کتاب‌هایی که مؤلف یا وارث آن نیست

سؤال ۴۴:

نظر جناب عالی چیست درباره برخی از چاپخانه‌ها و مراکز نشر که کتاب‌های میراث فرهنگی را - که ملکیت شرعی شخص معینی نیست - چاپ می‌کنند و از آن سود به دست می‌آورند؟ همچنین نظر شما چیست در مورد کتاب‌های اسلامی قدیمی که مؤلفان یا وارثان آنان که حق چاپ و نشر را داشته باشند، اصلاً وجود ندارند. حق چاپ و نشر این نوع کتاب‌ها از کیست؟ آیا این حق از حاکم شرع یعنی مراجع تقلید و وکلای آنان است؟ از نگاه شرع کار چاپخانه‌ها و ناشران در استفاده از این حق و کسب مبالغ هنگفت سود چه حکمی دارد؟

جواب:

چاپخانه‌ها و مراکز نشر می‌توانند کتاب‌های میراث فرهنگی و اسلامی قدیمی مانند کتاب‌های فقهی، اصولی و غیره را چاپ و نشر نمایند. بلکه چنین عملی خدمت به دین و مذهب و احیای میراث اسلامی شمرده می‌شود. چنان‌که قبلاً گفته شد حق چاپ، تألیف و نشر برای مؤلفین، نویسندگان و ناشران شرعاً ثابت نشده، تا این حق بعد از فوت به ورثه آنان انتقال یابد. همچنین اقدام به

این کار، احتیاج به اذن از حاکم شرع ندارد.

چاپ کتاب‌های دعا برای استفاده عموم

سؤال ۴۵:

برخی از خانواده‌ها کتاب‌های دعا را چاپ می‌کنند و در صفحه اول آن می‌نویسند که این کتاب هدیه به روح یکی از بستگان آن‌ها بوده و به روح او فاتحه خوانده شود. سپس این کتاب‌ها را در مساجد برای استفاده عموم توزیع می‌کنند. آیا چاپ کتاب‌های دعا با این روش درست است؟ آیا لازم است از جناب شما یا یکی از وکلای شما اجازه گرفته شود تا از صحت نقل و نوشته دعاها اطمینان حاصل شود و از نقل و چاپ آن‌ها به صورت نادرست جلوگیری گردد؟

جواب:

چاپ کتاب‌های دعا به شیوه‌ای که اشاره شد، اشکالی ندارد و منوط به اذن حاکم شرع نیست، مشروط بر این‌که در متن دعا با کم و زیادکردن، تصرف و اجتهاد صورت نگیرد.

آموختن علوم دینی از طریق نوارهای کاست

سؤال ۴۶:

نظر جناب عالی چیست در مورد آموختن علوم دینی از طریق نوارهای

کاست بدون اشراف و نظارت استاد یا مدرس، با علم به این که برخی از درس‌ها مانند عقاید و فلسفه پیچیدگی‌هایی دارد که موجب شبهه برای دانشجو می‌گردد؟ آیا بر او واجب نیست که برای حصول اطمینان از آموخته‌های خود با یکی از استادان یا علما درباره مطالب این کتاب‌ها مباحثه و تبادل نظر کند تا در مورد صحت معلومات و اندوخته‌های خود مطمئن گردد؟

جواب:

آموختن درس‌های دینی فقه و اصول و عقاید از طریق نوارهای کاست اشکالی ندارد و هیچ فرقی ندارد که این درس‌ها به طور مستقیم از استاد یا از طریق نوارهای کاست فراگرفته شود. بلی اگر سطح علمی دانشجو ضعیف باشد به گونه‌ای که اگر برای او شبهه اعتقادی پدیدآید نتواند آن را دفع کند، بر او لازم است که در درس‌های عقاید شرکت نکند، نه به طور مستقیم نزد استاد و نه از طریق نوارهای کاست.

حق مشارکت خوانندگان در تهیه مطالب برای روزنامه‌ها

سؤال ۴۷:

برخی از روزنامه‌ها نوشته‌های خوانندگان خود را می‌پذیرند و آن‌ها را در «صفحه خوانندگان» یا در «صفحه نظریات مردم» و مانند آن به نشر

می‌رسانند. سردبیرانی که این نوشته‌ها را در صفحات مربوطه تنظیم می‌کنند، در مقابل کار خود مزد ماهانه دریافت می‌نمایند، اما نویسندگانی که با مشارکت در این صفحه، مطالب خود را نشر می‌کنند، در مقابل نوشته‌ها و پیگیری‌های فرهنگی خود هیچ نوع مزد یا مکافاتی دریافت نمی‌کنند، در حالی که سردبیران مسئول این صفحات هیچ زحمتی نمی‌کنند جز انتخاب مقالاتی که به آنان از خوانندگان می‌رسد و ارسال آن‌ها به حروف‌چینی و سپس صفحه‌بندی و چاپ. آیا این عمل یک نوع ناچیزپنداشتن و حقیر و کم‌ارزش دانستن اشیای مردم و سلب حقوق معنوی آنان نیست؟ مخصوصاً که روزنامه صفحات خود را از زحمات و کوشش‌های دیگران پُر می‌کند و شماره‌های آن را به فروش می‌رساند و سودهای زیادی به دست می‌آورد، در حالی که نویسندگانی که برای آن مطلب می‌نویسند، هیچ نوع بدلی در مقابل همکاری و مشارکت خود دریافت نمی‌کنند.

جواب:

همه آنچه در سؤال آمده، هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا آنچه گفته شده از نگاه شرعی به اثبات نرسیده که حق آنان باشد تا این نوع اعمال روزنامه، سلب حقوق آنان تلقی شود.

نویسندگان توجیه‌گر سیاست‌های حکام و رابطه تروریسم با اسلام

سؤال ۴۸:

برخی از روزنامه‌نگاران به توجیه سیاست‌های حکام و مواضع ذیلاننه آنان در قبال مسایل سرنوشت‌ساز امت ما مخصوصاً مسأله فلسطین می‌پردازند. زیرا موضع اکثر - البته نه همه - زمامداران در کشورهای عربی اسلامی موافق با دیکته‌های کاخ سفید و برنامه‌های آنان به نام صلح است. رسانه‌ها در کشورهای عربی اسلامی ما ابزار فرمانبردار و در خدمت آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی است و از نگاه آنان هر کسی که بر خلاف این سیاست حرکت کند، تندرو یا مخالف و یا تروریست و چیزهایی از این قبیل نامیده می‌شود. نظر جناب‌عالی در مورد این نویسندگانی که سیاست‌های این زمامداران را توجیه می‌کنند چیست؟

جواب:

وظیفه هر مسلمان از دیدگاه شرع تنها همین مقدار است که با هر وسیله ممکن از حق دفاع کند و نه بیشتر از آن. همچنین از توجیه باطل در چهره حق پرهیز کند و این مسأله را تبیین نماید که دین اسلام دین صلح، مسالمت و عدالت است و اسلام ترور را در همه اشکال و انواع آن محکوم می‌کند و به حفظ جان انسان‌ها اهتمام می‌ورزد. خداوند فرموده است: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» اسلام

کشتن انسان را بدون دلیل، به شدت تقبیح و محکوم کرده است. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا». آیا متنی قوی تر از این آیه در مورد حفظ حقوق بشر و تأکید بر آن، در نظام دیگری در جهان وجود دارد؟

ولی بسیار جای تأسف است که در این اواخر گروهی در میان مسلمانان ظهور کرده که به اعمال غیرانسانی تروریستی دست می یازند مانند کشتن زنان، مردان، اطفال و کهن سالان بی گناه، به گونه بسیار فجیع و غیرانسانی به نام دین، در حالی که اسلام از چنین افرادی برائت می جوید. از این رو، بر رهبران مسلمان از دین مداران و سیاست مداران است که متحد شوند و با توحید کلمه و با استفاده از هر وسیله ممکن مانند تبلیغات به اشکال مختلف و اعمال قوه و غیره، این غده سرطانی، یعنی تروریسم، را از پیکر امت اسلامی بزدایند. وجود این پدیده خبیث و ناپاک در پیکر امت اسلامی، فرصت و زمینه را فراهم می سازد برای ورود دشمنان در سرزمین های اسلامی گاهی به بهانه این که دین اسلام، تروریسم را ترویج می کند، گاهی به این نام که مسلمانان قادر به دفع ترور و تروریست ها از کشورهای خود نیستند.

رمزگشایی لوح‌های فشرده و تکثیر آن‌ها

سؤال ۴۹:

برخی از متخصصین کمپیوتر، سی‌دی‌ها یا لوح‌های فشرده‌ای را که برنامه‌ها و درس‌های اسلامی در آن‌ها تسجیل شده است، رمزگشایی می‌کنند و سپس به تکثیر و فروش آن‌ها برای منافع شخصی خود اقدام می‌نمایند، با این که شرکت‌ها و مؤسساتی که این لوح‌ها را نشر کرده، بر روی آن‌ها نوشته‌اند که: «همه حقوق محفوظ است» و این که نسخه‌برداری و تکثیر آن‌ها مجاز نیست و با این که سرقت این الواح فشرده و تکثیر آن‌ها موجب زیان‌های مادی به ناشران آن‌ها می‌گردد. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

قبلاً گفته شد که این حقوق هرچند در نزد عرف و عقلا در عصر حاضر ثابت است، اما در زمان معصومین (ع) به جهت عدم ثبوت موضوع آن، ثابت نبوده است. بدین جهت نمی‌توان از طریق عدم ورود منع و ردع از سوی معصومین (ع) امضا و تأیید آن را کشف و احراز کرد. از این رو، هیچ اشکالی وجود ندارد در رمزگشایی لوح‌های فشرده و تکثیر و فروش و استفاده از آن‌ها و این موجب زیان مالی شرکت‌ها یا مؤسسات ناشر آن‌ها نمی‌شود و تنها از انتفاع زیادتر و سود بیشتر آنان مانع می‌گردد.

چاپ کتاب بدون نام مؤلف

سؤال ۵۰:

آیا چاپ و نشر کتاب بدون نام مؤلف جایز است؟ با علم به این که این روش ممکن است موجب زیان ناشر یا کتابفروش شود، مخصوصاً که اگر این کتابها مشتمل بر افکاری باشد که حقایق سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی دولتها یا گروههای معینی را افشا می‌سازد. از سوی دیگر چاپ کتاب بدون شناخت مؤلف آن در دنیای اندیشه و فرهنگ، یک امر طبیعی و عادی نیست. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟ آیا این از مصادیق رازداری و تقیه محسوب می‌شود؟

جواب:

اگر در چاپ کتابها بدون نام مؤلف، مصلحتی وجود داشته باشد، چاپ آنها با این روش اشکالی نخواهد داشت. اما اینکه چاپ آنها در شرایط خاصی موجب زیان مراکز نشر و کتابفروشیها می‌شود، مانع از جواز چاپ نمی‌گردد.

انتخاب نوع کاغذ، تعداد صفحه و حجم کتاب در قرارداد چاپ

سؤال ۵۱:

ناشری با نویسنده‌ای درباره چاپ کتاب وی توافق می‌کند، ولی بعد از این که طرفین از همدیگر جدا شدند، ناشر مردد می‌شود که کتاب را با

کدام کاغذ چاپ کند. چون ناشر یک نوع کاغذ دارد، اما با سه منبع تولید و هر کدام دارای قیمت متفاوت از دیگری است؛ به گونه‌ای که اگر کاغذ اعلی را انتخاب کند، سود آن تقلیل می‌یابد و اگر کاغذ ارزان را در نظر بگیرد، سود آن ازدیاد خواهد یافت و به طور طبیعی ناشران سود زیاد را دوست دارند و از این رو کاغذ ارزان را انتخاب می‌کنند. اکنون سؤال این است که اگر نوع کاغذ، یکی اما منابع صنعت و تولید آن متفاوت باشد؛ یعنی تولید چند کشور و با قیمت‌های متفاوت باشد، آیا ناشر می‌تواند هر نوعی را که بخواهد انتخاب کند؟ یا این که لازم است رضایت صاحب کتاب را به دست آورد یا در قرارداد این شرط را بگنجانند تا مشکل شرعی پیدانکند؟

جواب:

اگر در ضمن قرارداد، نوع کاغذ معین نشده باشد، ملاک، نوع متعارف و متداول در چاپخانه‌ها و مراکز نشر است.

سؤال ۵۲:

اگر بین ناشر و مؤلفی درباره چاپ کتابی، توافقی صورت گرفته باشد، آیا بر ناشر لازم است که برای مؤلف تعداد صفحات کتاب و اندازه و حجم آن را مشخص نماید؟ زیرا ناشر می‌تواند در مورد حجم کتاب به اختیار خود عمل کند. یعنی حجم حروف (قلم و سایز) را به دلخواه خود انتخاب کند که خود باعث کم یا زیاد شدن صفحات کتاب و کوچک یا بزرگ شدن حجم آن خواهد شد. در نتیجه اگر ناشر بخواهد سود بیشتر به

دست آورد، می تواند تعداد صفحات را با بزرگ کردن حجم حروف، افزایش دهد. در اینجا است که مسأله حرص ناشر مطرح می شود و بدین جهت او کتاب را مطابق منافعش تنظیم می کند. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

اگر خصوصیات چاپ که در سؤال مورد اشاره قرار گرفته، در قرارداد معین شده باشد؛ باید طبق آن عمل گردد و گرنه ملاک آن چیزی است که در چاپ کتاب از نگاه تعداد صفحات و حجم کتاب و حروف مورد استفاده و خصوصیات دیگر، متعارف است.

تألیف کتاب با نقل و تلخیص کتاب های دیگران

سؤال ۵۳:

برخی از مؤلفان به کثرت تألیفات توجه دارند، بدون این که از کیفیت و عمق برخوردار باشد و تنها به نقل زیاد و تلخیص کتاب های دیگر با ذکر منبع یا بدون ذکر آن اکتفا می کنند. این حالت ناشی از اندک بودن دانش است یا ناتوانی در ابداع و ابتکار حقیقی از جهت طرح مطالب و یا نوآوری در عرصه اندیشه و فرهنگ. آیا آزادی های اسلامی افراد، این نوع عمل مؤلفان را نیز شامل می گردد؟ آیا این یک نوع نقل و تلخیص و زیاده روی در آن نیست، به جای ابداع و نوآوری و بازدهی واقعی؟

جواب:

برای مؤلف لازم نیست که از قدرت علمی زیاد در پژوهش و نوآوری برخوردار باشد؛ زیرا تألیف هر فرد به حسب توانایی او است. لذا گاهی تألیف، چیزی بیشتر از نقل مطالب از این یا آن کتاب نیست، مشروط بر این که در نقل، امانت رعایت گردد.

سیستم عددی برای حفظ کتاب از دستبرد و تحریف

سؤال ۵۴:

کتاب‌های دینی بسیاری از علما و مراجع دینی چاپ می‌شود، بدون معیارهای عددی که متن حقیقی کتاب‌ها را صیانت و محافظت کند تا در آینده اگر به دست افراد غیر امین بیفتند، از دستبرد تغییر و تحریف در امان بمانند. چنان که در بسیاری از کتاب‌های حدیث مذاهب دیگر اسلامی چنین وضعیتی پیش آمده؛ یعنی با حذف بسیاری از احادیث مربوط به فضایل امیرالمؤمنین (ع) و احقیق ایشان به خلافت بعد از پیامبر خدا (ص) و همچنین با حذف فضایل اهل بیت (ع) به چاپ رسیده‌اند. چنین روشی با سیستم جهانی تألیف نیز سازگار و هماهنگ است. امروزه در این سیستم جهانی، هر تألیف و هر چیز چاپی و در هر موضوعی دارای شماره معیاری خاصی است که متن حقیقی کتاب را علی‌رغم گذشت زمان، چنان که هست و بدون هیچ تغییری با حذف یا اضافه و یا تحریف، حفظ می‌کند. امروز کتابخانه‌های بزرگ دنیا همین سیستم را رعایت می‌کنند. این سیستم در واقع به یک نوع نظارت قانونی دائمی تبدیل شده است تا

صحت متن هر کتابی مطابق به آنچه مؤلف آن را تهیه کرده است، در چاپ‌های بعدی رعایت و تضمین گردد.

جواب:

اما در مورد کتاب‌های علمی تحقیقی مثل کتاب‌های اصولی و فقهی و مانند آن‌ها، قرارداد آن‌ها تحت یک معیار عددی که هر نظریه و ابتکار و تحقیق را حفظ کند، اصولاً ناممکن است؛ علاوه بر این که چنین کاری لازم هم نیست. اما کتاب‌های حدیث را می‌توان تحت این معیار قرارداد؛ به گونه‌ای که از هر نوع کم یا زیاد کردن محفوظ بمانند. اما این کار هم لازم نیست. تنها چیزی که حرام است تحریف حقایق و خیانت در امانت و حذف نصوص مربوط به فضایل امیرالمؤمنین (ع) و احقیت ایشان برای خلافت است.

نویسندگان دربار و تحریف تاریخ

سؤال ۵۵:

تاریخ اسلامی ما گرفتار نویسندگانی است که از سوی زمامداران تعیین می‌شوند. این نوع نویسندگان، تاریخ و رویدادهای آن را آنچنان می‌نویسند که کاخ‌های قدرت به آنان دیکته کرده باشند، حتی اگر حقایق و پشت پرده رویدادها را با توطئه و دسیسه پوشانند و کتمان کنند. هنوز هم بسیاری از این دسته از نویسندگان در بسیاری از کشورهای ما، در اطراف زمامداران و نظام‌های حاکم می‌چرخند. تکلیف

شرعی ما در برابر این گروه از نویسندگان و آنچه درباره تزویر و تحریف حقایق می نویسند چیست؟

جواب:

وظیفه شرعی در برابر نوشته‌های آنان در مورد تحریف و تغییر حقایق، بیان واقعیت‌ها و حقایق است، با نوشتن و تبلیغات به شکل عینی حکیمانه و با موعظه حسنه و اشاره به اشتباهات و تغییر و تحریف حقایق، بدون طعن و شتم. این شیوه در اذهان بیشتر تأثیر مثبت دارد تا رویارویی با آنان که ممکن است تأثیر منفی داشته باشد.

نقد ادبی با متد غربی

سؤال ۵۶:

برخی از نویسندگان متخصص در نقد فرهنگی به طور عام و نقد ادبی به طور خاص، در متد نقدی خود، متکی بر نظریات غربی هستند که هیچ رابطه‌ای با اندیشه اسلامی و همچنین میراث فرهنگی عربی و زبان و ادبیات آن ندارد و این باعث می‌شود که برای بسیاری از خوانندگان این نوع نقدهای ادبی، نوعی از تزلزل و هرج و مرج فکری ایجاد شود؛ زیرا آنان متون ادبی عربی را که توسط یک ادیب مسلمان و پای‌بند به اسلام در همه امور زندگی خود، پدید آمده است، با روش کاملاً دور و بیگانه با اسلام مورد نقد قرار می‌دهند. این روش خود به خود باعث می‌شود که

بسیاری از تناقضات فکری در اصول ثابت مطرح گردد. این دسته از منتقدان، متن عربی را مطابق به معیارهای ثابت غربی و غیر اسلامی مورد نقد و تحلیل و تفسیر فرارمی دهند، با این هدف که این متون را از اعتبار ساقط کنند و آن‌ها را از معانی روشن و واضح خود تهی سازند و به معانی بی‌ربط و بی‌نظم و نسق و غیرقابل قبول برای خود تبدیل نمایند. ما از این نوع متدهای غربی برای نسل‌های خود نگران هستیم. نظر جناب‌عالی در این مورد چیست؟

جواب:

وظیفه ما در دنیای باز و آزاد کنونی، مقابله با این گروه از منتقدان با شیوه متقابل است. بدین معنی که باید افکار و نظریات و فرهنگ غربی به گونه عینی و واقعی و بدون شتم و طعن نقد گردد و مغالطه‌ها، نظریات باطل و تحریفات آنان در مورد وارونه نشان‌دادن حقایق و ارایه ناقص و نادرست آن بیان شود و این‌که فرهنگ اسلامی در تربیت انسان و رابطه او با جامعه و تهذیب سلوک و رفتار او در همه عرصه‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و غیره، نقش مهمی دارد. اسلام با تربیت انسان، او را در مسیر مستقیم و به سمت اعتدال و میانه‌روی و عدم انحراف به چپ و راست، جهت می‌دهد و وی را به انرژی نیرومند روانی و ملکات فاضله اخلاقی و نیروی دین و ایمان مجهز می‌گرداند. در حالی که فرهنگ رایج بین مردم در غرب، انسان را به سوی غرایز حیوانی و شهوات

نفسانی سوق می‌دهد. از همین رو نظام خانواده، اخلاق و معنویت در غرب از هم گسیخته و فروپاشیده است. این وضعیت در غرب در اذهان جوانان آن‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ زیرا می‌بینند که در نظام اجتماعی و خانوادگی در اسلام یک نوع معنوبیتی وجود دارد که در نظام خود آن را نمی‌یابند. بلکه در نظام خود با یک نوع از هم‌گسیختگی و فروپاشی مواجه هستند. از همین رو به اسلام و گرویدن به آن ترغیب می‌شوند.

از سوی دیگر بر جوانان ما است که به جای فرهنگ مبتذل رایج در غرب، از سنت‌های اسلامی و فرهنگ انسانی خود پاسداری نمایند و خود را در عرصه‌های گوناگون طب، مهندسی، علوم فضایی، اقتصاد و غیره، به فنون عالی و تکنالوژی پیشرفته معاصر مجهز گردانند و همه تلاش خود را به‌کاربندند و از هر وسیله ممکن استفاده کنند تا به تخنیک‌های عالی دست پیدانمایند.

کتاب‌های طالع‌بینی

سؤال ۵۷:

نظر جناب عالی چیست درباره کتاب‌هایی که از برج‌های فلکی و رابطه آن با طالع و احوال مردم از نگاه سعادت و شقاوت و سرنوشت زندگی آنان در دنیا سخن می‌گویند؟

جواب:

چنین سخنانی اعتبار شرعی ندارد و نمی‌توان مطابق آن‌ها حکم کرد؛ زیرا از نگاه شرع هیچ ارزشی ندارد.

کتاب‌های کف‌شناسی

سؤال ۵۸:

برخی از افراد به کف‌شناسی می‌پردازند و از این طریق امرار معاش می‌کنند و برخی از کتاب‌فروشی‌ها هم کتاب‌هایی را در این زمینه می‌فروشند. نظر جناب عالی در مورد کف‌شناسی چیست؟ آیا این مسأله ریشه و اساس علمی شناخته‌شده در میراث اسلامی ما دارد؟

جواب:

چنین عملی جایز نیست؛ زیرا یک نوع اخبار از غیب است و اخبار از غیب شرعاً جواز ندارد.

رابطه برخی ارقام و اعداد در قرآن کریم با اعجاز

سؤال ۵۹:

در برخی از کتاب‌ها می‌خوانیم که از ارقام و اعداد شگفت‌آوری سخن می‌گوید. از جمله در برخی از کتاب‌ها از فروپاشی اسرائیل در سال ۱۴۴۳ هجری برابر با سال ۲۰۲۲ میلادی سخن گفته شده است. مؤلفان

این کتاب‌ها به قرآن کریم و پیوند دادن برخی از رویدادهای تاریخی به همدیگر استدلال می‌کنند و از آن جمله گفته شده که دولت اول یهود در سال ۷۲۲ قبل از میلاد از بین رفته است و پیش‌گویی درباره فروپاشی کشور اسرائیل در سال ۶۲۱ نازل شده است و تعداد سال‌ها از پیش‌گویی تا تأسیس دولت دوم یهود در سال ۱۹۴۸ میلادی، ۱۳۶۸ سال است و تعداد سال‌ها از پیش‌گویی تا کامل شدن دولت دوم یهود در جنگ ۱۹۶۷ میلادی و ضمیمه ساختن قدس، ۱۳۸۷ سال است و تعداد سال‌ها از نزول پیش‌گویی تا تحقق آن، ۱۴۴۴ سال است. همچنین گفته‌اند که اگر به سوره «اسراء» برگردیم می‌بینیم که کلمه «أولاهما» در آیه «فَلَمَّا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا»^۱ کلمه شماره ۳۸ است و کلمه «وعد» در آیه «فَلَمَّا جَاءَ وَعْدُ الْأَخْرَجَةِ» کلمه شماره ۷۲ و کلمه «الْأَخْرَجَةِ» کلمه شماره ۷۳ و کلمه «وَلْيَدِ الْغُلُوبَا» شماره ۷۶ است. هرگاه شماره‌های این کلمات را به عدد ۱۹ ضرب کنیم نتایج زیر به دست می‌آید:

أُولَاهُمَا: $19 \times 38 = 722$. این نتیجه، تاریخ از بین رفتن دولت اول یهود است.
 وَعْدُ: $19 \times 72 = 1368$. این نتیجه، تعداد سال‌ها از پیش‌گویی در سال ۶۲۱ میلادی تا تأسیس دولت دوم یهود در سال ۱۹۴۸ میلادی است.
 الْأَخْرَجَةِ: $19 \times 73 = 1378$. این نتیجه، تعداد سال‌ها از نزول پیش‌گویی در سال ۶۲۱ میلادی تا کامل شدن دولت دوم یهودی در سال ۱۹۶۷ میلادی است.

۱- سوره اسراء، آیه ۶

ولید مخلُوا: $19 \times 76 = 1444$. این نتیجه، تعداد سال‌ها از نزول پیشگویی در سال ۶۲۱ تا سال ۲۰۲۲ میلادی است.

با دقت در این داده‌های ریاضی، می‌بینیم که صد در صد صحیح و درست است. نظر جناب شما در این مورد چیست؟ آیا این سخنان از مصادیق علم «سنین و حساب» است که در قرآن کریم آمده است: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّبَنَاتِنَا فَمَنْ كَفَرَ مِنَّا فَذَرْهُ وَتَعَلَّمُوا عَدَدَ الشَّيْئِينَ وَالْحِسَابِ وَكُلُّ شَيْءٍ فَضْلَانَا تَفْصِيلًا»^۱ و آیا به نظر شما این مسأله از اعجازهای عددی قرآن کریم است؟

جواب:

این مسأله هیچ ربطی به اعجاز ندارد، بلکه یک نوع تخمینات بی‌ارزش است و از مصادیق علم «سنین» و «حساب» نیست. علاوه بر این که این شخص در محاسبه هم اشتباه کرده است؛ زیرا کلمه اولهما در آیه، با حساب از اول سوره، کلمه شماره ۳۸ نیست. همچنین باید گفت که چرا این شماره‌ها به عدد ۱۹ ضرب شود، نه ۲۰ یا ۱۸؟ مگر عدد ۱۹ چه خصوصیتی دارد؟ طبیعی است که جمع بین ارقام و اعداد آیات و کلمات یا حروف و ضرب آن‌ها در یک عدد دیگر، گاهی می‌تواند یک نتیجه شگفت‌آوری داشته باشد، اما این غیر از اعجاز است.

^۱ - سوره اسراء، آیه ۱۷.

کنترل و سانسور پایگاه‌های اینترنتی

سؤال ۶۰:

آیا کنترل پایگاه‌های اینترنتی از سوی حکومت‌ها جواز دارد؛ به گونه‌ای که ورود به سایت‌های فساد اخلاقی و اباحی‌گری اجازه داده نشود؟ همچنین در کنار آن به برخی از پایگاه‌های اینترنتی اسلامی نیز اجازه داده نشود؟ معمولاً در صفحه این نوع پایگاه‌ها عبارت ذیل یا مشابه آن ظاهر می‌شود: «پایگاه‌های غیر مجاز» نظر جناب شما در این مورد چیست؟

جواب:

کنترل این پایگاه‌ها بدین صورت که به مراکز فساد اخلاقی اجازه داده نشود، وظیفه شرعی همه دولت‌های اسلامی است. همچنین وظیفه هر مسلمان است که در این پایگاه‌ها وارد نشود. اما اجازه‌ندادن به سایت‌های اسلامی با اسلامی‌بودن دولت سازگار نیست.

آزادی ادیان و مذاهب

سؤال ۶۱:

آیا حکومت این حق را دارد که قومیت یا مذهب خاصی را که از نگاه ایدئولوژی یا اندیشه و یا عادات و سنت‌ها با آن مخالف است، تحت سانسور قرار دهد، به گونه‌ای که به آنان اجازه ندهد که طریقه، عادات و

سنت‌های خود در زندگی را ابراز نمایند و یا در کنار سایر فرهنگ‌های انسانی، دارای استقلال فرهنگی بوده و شخصیت ویژه خود را داشته باشند؟

جواب:

به مقتضای حقوق بین‌الملل که اصل آزادی ادیان و مذاهب را پذیرفته، هیچ دولتی این حق را ندارد و هیچ دولتی نمی‌تواند مذهب خاصی را بر پیروان مذاهب دیگر تحمیل کند؛ زیرا این حالت در کشور، هرج و مرج، شورش، فتنه و نفاق ایجاد می‌کند. اما اگر پیروان هر مذهب در مذهب و اقامه شعایر دینی خود آزاد باشند، بدون این که حق نقد مذهب دیگر را داشته باشند، در کشور ثبات و امنیت حاکم می‌شود.

افشای رسوایی‌های دشمنان اسلام

سؤال ۶۲:

نظر جناب عالی چیست در مورد افشای رسوایی‌های دشمنان اسلام از آمریکا و هم‌پیمانان آن و کسانی که در جهت آنان حرکت می‌کنند اعم از حکومت‌ها یا ملت‌ها، مخصوصاً با توجه به این که نشر رسوایی‌های آنان در واقعیت‌های اجتماعی و در دنیای سیاست، اقتصاد، استراتژی‌های صنعتی و هژمونی تجارتنی، می‌تواند ملت را با حيله‌ها و دسایس آنان

آشناگرداند؟

جواب:

این کار اشکالی ندارد اگر به صورت واقع بینانه و عینی انجام شود. بلی نسبت به ملت‌ها و طوایف ممکن است گاهی مفسده این عمل از مصلحت آن بیشتر باشد، مثل این که این نوع افشاگری‌ها به تفرقه و نفاق بیشتر بین ملت‌ها و فرقه مسلمان منجر گردد، با این که از سوی دیگر آنچه از نگاه شرع مهم و مطلوب است، وحدت صفوف مسلمین در برابر توطئه‌ها و برنامه‌های دشمنان است.

وظیفه مسلمانان در قبال تبلیغات ضد اسلامی غرب

سؤال ۶۳:

تکلیف علما، اندیشمندان، روشنفکران و ادبای متعهد مسلمان در رویارویی با موج تبلیغات غرب به طور عام و آمریکا به طور خاص به منظور لطمه زدن به حیثیت و اعتبار اسلام و امت اسلامی چیست؟

جواب:

وظیفه همه علما، خطبا، اندیشمندان، روشنفکران و نویسندگان این است که با همه وسایل ممکن و به صورت عینی، با این توطئه‌های تبلیغاتی مقابله کنند و افکار گمراه کننده و اتهامات بی اساس آنان علیه اسلام را نقد نمایند و بیان کنند که دین اسلام دین صلح،

عدالت و انسانیت بوده و با فریاد بلند خود بر ارزش و حقوق بشر تأکید دارد، مانند این سخن خداوند: «أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۱ آیا واقعاً دین اسلام با این نصوص روشن و قاطع خود ترور، تندروی و قاتلان جنایتکار را ترویج و تبلیغ می‌کند یا این که بر ضد همه اشکال و انواع تروریسم و تندروی است؟

حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی

سؤال ۶۴:

برخی از حکومت‌ها، جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی را که از اوطان، ارزش‌ها، کرامت و دین خود دفاع می‌کنند، حرکت‌های تروریستی می‌خوانند. چنان که آمریکا چنین ادعایی دارد. این نوع برخورد به نفع صهیونیسم جهانی و اسرائیل تمام شده و در خدمت آنان خواهد بود. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟ آیا کسی که از دین، وطن، عرض و کرامت خود دفاع می‌کند، تروریست است؟ تکلیف شرعی ما در قبال این گروه از مسلمانان که پرچم جهاد و دفاع از بیضه اسلام و دفاع از دین، وطن و کرامت‌شان را برافراشته‌اند چیست؟ به نظر شما تکلیف علما،

^۱ - سوره مائده، آیه ۳۲.

اندیشمندان، روشنفکران و ادبای متعهد در دادن دست یاری به این مجاهدین چیست؟ رسالت و مسئولیت نوشتاری و تبلیغاتی آنان در این موضوع چگونه باید باشد؟

جواب:

کسی که از جان، عرض، مال و سرزمین خود دفاع می‌کند، تروریست نیست؛ بلکه این حق مشروع عقلایی آنان در همه ادیان آسمانی است. زیرا این یکی از اولویت‌های حقوق بشر در کره زمین است. تروریست کسی است که مردم بی‌گناه را به شکل فجیع غیر انسانی به قتل می‌رساند و سرزمین دیگران را اشغال و اهالی آن را به قتل می‌رساند یا آواره می‌گرداند و به شیوه‌های مختلف به عرض، آبرو و عزت آنان بی‌حرمتی می‌کند.

وظیفه شرعی در قبال آنان، تأیید و مساعدت مادی و معنوی و تبلیغاتی آنان است تا حقوق مشروع خود را بازپس گیرند؛ چون این قیام آنان یک قیام دفاعی است برای دفاع از جان، عرض و سرزمین‌شان و نه جهاد و دفاع از بیضه اسلام تا وظیفه همه مسلمین این باشد که به طور مستقیم و با همه وسایل ممکن در کنار آنان وارد جهاد شوند.

تئوری توطئه، دلایل تک قطبی شدن جهان و مسئولیت رهبران سیاسی کشورهای اسلامی

سؤال ۶۵:

بسیاری از علما، متفکرین و کارشناسان درباره موضوع «تئوری توطئه» مطالبی نوشته اند و این که توطئه بزرگی از سوی دشمنان اسلام و مسلمین شکل گرفته و شکل می گیرد. به منظور تسلط بر مقدرات امت اسلامی و اسلام ستیزی در هر مکانی، به نفع جنبش صهیونیستی و شرکت های بزرگ چندملیتی و فراقاره ای که هدف آنها سلطه بر جهان از طریق اعمال سیاست تک قطبی (آمریکا) است. تکلیف شرعی علما، متفکرین، فرهنگیان و نویسندگان در رویارویی با این توطئه بزرگ چیست؟

جواب:

بر همه متفکران، روشنفکران و سیاستمداران امت است که با جدیت و دقت بیندیشند که عامل اساسی تسلط آنان بر جهان و بر مقدرات امت اسلامی چیست؟ جواب این است که عامل اساسی در چند نکته است:

عامل اول؛ ضعف دولت های اسلامی در اقتصاد علی رغم ثروت های طبیعی موجود در سرزمین های آنها است.

عامل دوم؛ عقب ماندگی مسلمانان در علوم معاصر، مهارت های عالی و تکنالوژی پیشرفته است. این عقب ماندگی عامل اساسی ضعف

آنان در اقتصاد و عدم استفاده بایسته و شایسته از ثروت‌های طبیعی در کشور است؛ زیرا استفاده از ثروت‌ها نیازمند خبرگی و مهارت‌های عالی و تکنالوژی پیشرفته است.

عامل سوم؛ تفرقه و اختلاف بین رهبران سیاسی کشورهای اسلامی و عدم اتحاد آنان و نداشتن موقف واحد در برابر شرق و غرب و اهتمام بیشتر به منافع شخصی و کرسی قدرت و ریاست و نه منافع عمومی است. از این رو، اگر آنان در رویکردهای عمومی سیاسی، اقتصادی و تعلیمی کشورهای خود موقف واحد می‌داشتند، شرق و غرب همگی کاملاً برای آنان حساب باز می‌کردند.

این عوامل فرصت را برای دشمنان فراهم می‌سازد و راه را هموار می‌گرداند تا در کشورهای اسلامی وارد شده و بر مقدرات امت در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تعلیمی، نظامی، امنیتی و غیره تسلط یابند. هدف از همه این اقدامات، عقب‌نگهداشتن کشورهای اسلامی است تا این عقب‌ماندگی بهانه‌ای برای بقای آنان و تسلط آنان بر مقدرات این کشورها باشد. طبیعی است تا زمانی که کشور از نگاه سیاسی، اقتصادی و علمی در عصر حاضر عقب‌مانده باشد، استقلال هم نخواهد داشت. در این صورت برای تأمین نیازمندی‌های خود باید بر محور غرب و شرق بچرخد و این حالت، بسیار بسیار تأسف‌آور است.

بدین جهت بر رهبران سیاسی کشورهای اسلامی و بر همه اهل حل

و عقد است که در مورد مسایل سرنوشت‌ساز ملت‌های خود در عصر حاضر، که عصر دانش و فضا است، به نیکی بیندیشند و این که تا کی کشورهای اسلامی، عقب‌مانده باقی بمانند! لذا بر آنان است که به حکم وجدان و مسئولیت در برابر خدا و ملت‌های‌شان، اولاً؛ در همه رویکردهای‌شان در قبال شرق و غرب متحد شوند و موضع واحد داشته باشند. ثانیاً؛ در حفظ مصالح عمومی امت و کنارگذاشتن هر نوع تفرقه و اختلاف و اقدام به جلب مهارت‌ها و تکنیک‌های عالی در همه زمینه‌ها به کشورهای‌شان با هر وسیله ممکن و بهره‌گرفتن از آن برای تحول و پیشرفت این کشورها و رساندن آن‌ها به رتبه دنیای معاصر، اهتمام جدی و پیگیر و خستگی‌ناپذیر نمایند. این پیشرفت، با تأسیس انستیتوت‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های تخصصی پیشرفته از یک سو و تشویق جوانان و اندیشمندان برای دستیابی به مهارت‌ها و تکنیک‌ها و تهیه همه وسایل و ابزارها و فرصت‌ها برای آنان از سوی دیگر، امکان‌پذیر است.

اما جنگ و ستیزه‌گری آنان در مقابل دین اسلام، عامل مهم آن خوف از قوت نظام اجتماعی، خانوادگی و انسانی اسلام در همه عرصه‌ها و گسترش روزافزون آن در سطح کره زمین است. از همین رو، همیشه می‌شنویم که جوانان در آمریکا و اروپا، علی‌رغم اطلاع بسیار اندک آنان از اسلام و نظام انسانی آن، به اسلام

می‌گروند. لذا آنان با شیوه‌ها و از راه‌های مختلف با اسلام ستیزه‌می‌کنند تا دروازه‌ها را در برابر گسترش و توسعه آن ببندند.

باتوجه به آنچه گفته شد، بر علما و متفکران و اصحاب قلم است که به نشر آگاهی اسلامی در بین مردم بپردازند و آنان را به اندیشه‌های اسلامی و فرهنگ دینی و اخلاقی و ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی بر ضد افکار اجنبی و تبلیغات پوچ و توطئه‌های آنان مجهز و مسلح گردانند و اندیشه‌های باطل و دروغ‌های آنان را به صورت عینی و واقع‌بینانه و قابل قبول برای مردم و به دور از شتم و دشنام نقد نمایند و نه برای یک یا دو بار، بلکه به طور مستمر و مداوم در روزنامه‌ها، مجلات و شبکه‌های ماهواره‌ای نشرکنند و مزایای دین اسلام در ابعاد گوناگون اجتماعی، فردی، خانوادگی و حقوقی و اهتمام اسلام را به طور قاطع و جدی به حفظ جان مردم و حفظ خون، عرض، اموال، کرامت و شرف آن‌ها و تقبیح و انکار شدید ریختن خون مردم در کتاب و سنت را بیان نمایند. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَمَّا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» و همچنین: «أَلَا إِنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَمَّا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا». در سنت نیز متون زیادی در این رابطه آمده است.

در مورد حفظ حقوق مردم، در کدام نظامی در دنیا متون قاطع‌تر و برنده‌تر از متونی که در اسلام آمده است، وجود دارد؟ آیا این دین

با این نصوص خود می‌تواند ترویج‌کننده تروریسم، افراط‌گرایی و تندروی باشد؟

به‌طور خلاصه باید گفت مبارزه با این توطئه‌های پلید و پوچ باید به شکل دقیق و به‌گونه‌ی قابل قبول برای مردم مخصوصاً جوانان و فرهنگیان آنان باشد و این مبارزه باید توسط علما و متفکران مسلمان انجام شود نه هر فردی.

سرقت اندیشه‌های علمی برای پیشرفت جهان اسلام

سؤال ۶۶:

آیا برای دولت‌های اسلامی، سرقت نظریات و اندیشه‌های علمی در عرصه‌های مختلف دانش و معرفت، از دانشمندان و متفکران غربی و سپس تکمیل آن و استفاده از آن در راه خدمت به امت و تمدن اسلامی جایز است؟ مخصوصاً با توجه به این که غرب نیز بسیاری از نظریات علمی را از علمای مسلمین سرقت کرده و بر مبنای آن تمدن علمی خود را ساخته و به تخنیک‌های پیشرفته در دنیای طب، فارمسی، میکانیک، هیأت، علوم فضایی و سایر قلمروها دست یافته‌اند. نظر جناب‌عالی در این مورد چیست؟

جواب:

بلی برای دولت‌های اسلامی دست‌یابی به نظریات و افکار علمی با

همه وسایل ممکن مجاز است، بلکه در این عصر یک ضرورت است؛ تا جامعه اسلامی تحول یافته و به یک جامعه متمدن با فنون و تخنیک‌های پیشرفته در طب، مهندسی، اقتصاد، علوم فضایی و غیره تبدیل گردد.

معلومات نادرست و گمراه‌کننده از طریق شبکه‌های

الکترونیکی

سؤال ۶۷:

امروزه برای کسانی که در استفاده از شبکه انترنتی مهارت دارند، مبادله اطلاعات به شیوه الکترونیکی به یک امر بسیار سهل تبدیل شده است. اما نظر جناب عالی چیست در مورد کسانی که به نشر اطلاعات غلط در علمی از علوم یا یکی از موضوعات می‌پردازند، به منظور این که حقایق معینی را به نفع برخی از استفاده‌کنندگان مثل شرکت‌های تولیدکننده برخی از کالاها یا برخی از حکومت‌ها، تحریف و منقلب کنند و افکار مردم را به نفع آن‌ها گمراه نمایند. مثل این که برخی از شرکت‌ها کوشش می‌کنند ارزش بحث‌های مربوط به کشف اضرار سگریت را کم نشان دهند. یا مثل شرکت‌های تولیدکننده دستگاه‌های تلفن موبایل که می‌خواهند بحث‌های مربوط به ضررهای ناشی از استفاده از این دستگاه‌ها برای صحت عمومی را کم‌اهمیت نشان دهند. همه این تلاش‌ها توسط بحث‌های گمراه‌کننده‌ای

صورت می‌گیرد که از طریق اینترنت نشر می‌شود. در این مورد نظر جناب عالی چیست؟

جواب:

تحریف و نشر نادرست اطلاعات صحیح نیست. اما تقلیل از اهمیت و ارزش بحث‌های مربوط به ضررهای سگریته کشیدن، تحریف و منقلب‌ساختن حقیقت محسوب نمی‌شود؛ زیرا این مباحث غالباً مبتنی بر مبالغه است. خلاصه این که نشر باطل و دروغ برای منقلب‌ساختن حقیقت مجاز نیست. اما کاستن از اهمیت برخی از مباحثی که غالباً مبتنی بر مبالغه است، اشکالی ندارد.

چاپ کتاب‌های جادوگری و احضار ارواح

سؤال ۶۸:

برخی از ناشران کتاب‌هایی را که از جادو، شعبده، احضار ارواح و رابطه با جنّ و مانند آن سخن می‌گویند، چاپ می‌کنند، با این که این کتاب‌ها ممکن است برای بسیاری از مردم مضر هم باشد. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

هیچ فایده‌ای در چاپ این کتاب‌ها نیست و بلکه عقلایی هم نیست. کتاب جادو، چاپ و نشر آن جایز نیست؛ زیرا از کتاب‌های ضلال

محسوب می‌شود. تعلیم و تعلم آن حرام است و بلکه مطابق برخی روایات، جادوگر باید کشته شود. شعبده‌بازی، چشم‌بندی، احضار ارواح و رابطه با جنّ از امور خیالی بوده و هیچ واقعیت و عینیتی ندارد.

جهاد برای آزادی فلسطین

سؤال ۶۹:

در سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌های عربی و اسلامی در سیستم آموزشی خود تغییراتی پدید آورده‌اند، مثل این که تمام امور مربوط به جهاد یا دعوت به آزادی فلسطین و مقاومت در برابر یهود صهیونیست را حذف کرده‌اند. همه این‌ها برای آن صورت گرفته که سیاست دوستی با آمریکا و هم‌پیمانانش تطبیق شود. نظر جناب‌عالی در مورد این نوع اقدامات این دولت‌ها چیست؟

جواب:

دعوت به جهاد و آزادساختن فلسطین و مقاومت در برابر صهیونیست‌ها، وظیفه هر کسی نیست؛ زیرا این دعوت در زمان حضور باید از سوی امام(ع) صورت گیرد و در زمان غیبت هم از سوی حاکم شرع جامع شرایط که یکی از آن‌ها اعلمیت است. پس دعوت به جهاد از سوی هر کسی صورت نمی‌گیرد. اما به هر صورت این دعوت چه در زمان حضور یا در زمان غیبت منوط به

فراهم بودن شرایط و ابزارها و نهایتاً پیروزی آن است. بلی بر هر مسلمانی واجب است از جان، مال، عرض و سرزمین خود در مقابل تهاجم دشمن با هر وسیله ممکن دفاع کند، مشروط بر این که قادر به دفاع باشد و گرنه چیزی بر او واجب نیست.

همکاری فرهنگیان و متفکران با حکومت‌ها

سؤال ۷۰:

برخی از فرهنگیان و متفکران، عاشق طلا و مالی هستند که حکومت‌ها به آن‌ها می‌دهند تا قلم آنان را در خدمت منافع و سیاست‌های خود استخدام کنند. نظر جناب عالی در مورد این نوع اجرائات حکومت‌ها از نگاه شرعی چیست؟ همچنین نظر شما درباره این دسته از فرهنگیان و متفکران که هرچند بر ضد منافع ملت‌ها و مسایل سرنوشت‌ساز، در آغوش حکومت‌ها می‌آرمند، چیست؟

جواب:

هرگاه هدف آنان در پناه‌بردن به آغوش حکومت‌ها، خدمت به ملت‌های مسلمان و منافع عمومی و مسایل مشروع و سرنوشت‌سازشان باشد و در عین حال خدماتی را به حکومت و سیاست آن نیز انجام دهند، کار نیکی است و مانعی ندارد، مشروط بر این که این خدمات مشروع بوده و از دیدگاه شرع مانعی نداشته باشد. خلاصه این که در اصل کارمند حکومت شدن مانعی وجود

ندارد، در صورتی که وظیفه‌ای که به دوش می‌گیرد یک عمل مجاز و مشروع باشد. بلکه می‌توان گفت گاهی این وظیفه ممکن است لازم و ضروری باشد، در حالتی که این شخص کار دیگری که به وسیله آن زندگی و امرار معاش کند نداشته باشد. بلی! جایز نیست که از وظیفه حکومتی خود سوء استفاده کرده و آن را وسیله ظلم بر مردم قرار دهد.

حکم ارتداد برخی از نویسندگان

سؤال ۷۱:

در رسانه‌ها هر از چندی خبر از تعقیب عدلی و محاکمات برخی از نویسندگانی است که متهم به اهانت به اسلام یا ذات الهی و یا تعرض به پیامبر(ص) یا یکی از ائمه(ع) می‌شوند و برخی از محاکم حکم کفر این افراد و جدایی بین آنان و همسرانشان را صادر می‌نمایند. نظر فقه جعفری در این نوع مسایل چیست؟ آیا واقعاً این نوع افراد با ارتکاب چنین اعمالی در کتاب‌های خود، در حکم کافر هستند؟

جواب:

معیار در کفر و ارتداد تنها انکار توحید و رسالت است. اما انکار ضروریات با التفات به این که انکار آن مستلزم تکذیب رسالت پیامبر می‌شود، کفر محسوب می‌شود. معیار کفر و ارتداد همین است و به علت و سبب دیگری اثبات نمی‌شود. اما حکم مرتد این است که

اگر ارتداد فطری باشد بدین معنی که پدر و مادر شخص مرتد یا یکی از آن دو مسلمان باشد، قتل مرتد واجب می‌شود و همسر او جداشده و عده وفات می‌گیرد و اموال او نیز بین ورثه تقسیم می‌گردد. اما اگر مرتد ملی باشد، هرگاه در خلال سه روز توبه نماید، مشکلی وجود ندارد و گرنه در روز چهارم کشته می‌شود و اموال او با ارتداد از دست او نمی‌رود و عقد بین او و همسرش خود به خود فسخ می‌شود. در این حالت اگر همسرش مدخوله باشد، عده طلاق می‌گیرد.

تماشای برنامه‌های مُد برای زنان

سؤال ۷۲:

برخی از رسانه‌ها مثل روزنامه‌ها، مجلات، ماهواره‌ها و رسانه‌های شنیداری و دیداری، برنامه‌های زنانه را برای عامه مردم به نمایش می‌گذارند. این برنامه‌ها متمرکز بر مُد لباس، آرایش، رقص، عطریات و مانند آن می‌باشد. اما از فرهنگ زن و تعهدات او در این رسانه‌ها خبری نیست. نظر جناب عالی در این موارد چیست؟ آیا برای زن مسلمان جایز است که این نوع برنامه‌ها را در روزنامه‌ها یا ماهواره‌ها و یا سایت‌های اینترنتی تعقیب کند؟ با توجه به این که این برنامه‌ها توهین به زن بوده و یک فرهنگ غلطی را که در درجه اول در خدمت دشمنان اسلام است، ارایه می‌کند.

جواب:

تعقیب و تماشای این برنامه‌ها برای زن، در صورتی که در سلوک و اخلاق او تأثیر منفی گذاشته و موجب انحراف او گردد، جایز نیست. اما اگر چنین تأثیری نداشته و وجود آن مانند عدم آن باشد و بلکه موجب ازدیاد صلابت او و ایمانش به اسلام و فرهنگ ارزشمند انسانی آن شود، اشکالی ندارد. زنان زیادی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی وجود دارند که در ایمان خود به خداوند و اعتقاد به اسلام و فرهنگ خود، محکم و پایدار هستند و چنین برنامه‌های فریبنده دنیوی و فیلم‌های مبتذل بی‌حیایی و بی‌شرمی نه تنها تزلزلی در آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه به ایمان و صلابت آنان می‌افزاید.

جوایز نقدی حکومت‌ها برای مبتکرین

سؤال ۷۳:

نظر جناب عالی چیست درباره جوایز نقدی عینی که برخی از حکومت‌ها یا مقامات رسمی یا مؤسسات فرهنگی برای مبتکرین از علما، متفکران و نویسندگان اعطا می‌کنند؟ با توجه به این که اکثر این مقامات این جوایز را به شرطی می‌دهند که اندیشه و رویکرد این مبتکران با سیاست‌ها و رویکرد آنان، مطابقت و توافق داشته باشد. اما کسانی که در خدمت ملت

و مسایل سرنوشت‌ساز آن بوده و به جهاد و مقاومت در برابر دشمنان خدا و پیامبر دعوت می‌کنند، از فهرست مبتکران حذف می‌شوند؛ زیرا دارای افکاری مغایر با سیاست دولت هستند و چه بسا که این گروه از مبتکران و نوآوران به عنوان طرفداران افراط‌گرایی یا حتی منسوب به تروریسم یاد می‌شوند. نظر جناب شما درباره این عمل حکومت‌ها چیست؟ و تکلیف شرعی این گروه از نویسندگان و نوآورانی که در مقابل اغراه‌های دنیوی سر خم نمی‌کنند و از اصول خود تنازل نمی‌نمایند چیست؟

جواب:

اعطای جایزه برای اندیشمندان و نوآوران، مشروط بر این‌که افکار و نوآوری‌های آنان باید در خدمت منافع حکومت‌ها و سیاست‌های آن‌ها باشد، یک عمل غیر عقلانی و غیر منطقی است و برای مصالح امت و کشور هیچ سودی ندارد. منشأ چنین وضعیتی این است که نگاه این نوع حکومت‌ها، تنگ‌نظرانه است و آنان تنها منافع شخصی خود را در نظر می‌گیرند و گرنه باتوجه به جایگاه آن‌ها، مسئولیت آن‌ها اعطای پاداش و جایزه برای هر متفکر و نوآور است، اعم از این‌که افکار و ابداعات او با سیاست حکومت موافق باشد یا نه؛ زیرا کار این مبتکران در عرصه دانش، نوآوری و پیشرفت به نفع امت است.

خلاصه این‌که بر همه حکومت‌های اسلامی است که در مورد تشویق اندیشمندان و مبتکران و تهیه وسایل مادی و معنوی برای

ابتکارات و نوآوری‌های آنان در عرصه‌های گوناگون علمی، به جدیت عمل کنند؛ زیرا حکومت‌ها با این عمل خود نه تنها برای امت بلکه برای خود نیز خدمت بزرگی را انجام می‌دهند. همچنین بر اندیشمندان و مبتکران امت است که در برابر حکومت‌های جائز از اصول اساسی خود تنازل نکنند و به این اصول و ارزش‌ها، ایمان راسخ داشته باشند و همه‌ی تلاش و کوشش خود را با هر وسیله ممکن برای نوآوری و خلق اندیشه در قلمروهای مختلف علمی و تخنیکی به عنوان خدمت به امت به کار ببندند. همچنین با این نوع حکومت‌ها درآمیزند، ولی با حکمت و موعظه حسنه و بیان اشتباهات آن‌ها با زبان خوش و سخن منطقی و قابل قبول و بیان این که هر نوع اندیشه و نوآوری صرفاً به این دلیل که موافق با منافع محدود و تنگ آن‌ها نیست، هرچند در خدمت مردم و جامعه هم باشد، تروریستی و افراط‌گرایی شمرده نمی‌شود.

خریدن موضوعات و افکار از نویسندگان دیگر

سؤال ۷۴:

برخی از نویسندگان که آنان را نویسندگان بزرگ می‌نامند، در بسیاری از حالات در نشر کتاب‌های‌شان، بر خرید موضوعات و افکار از نویسندگان کوچک - که در مانده و اکثرشان از فقرا هستند - متکی هستند. این

نویسندگان، موضوعات و افکار را از دیگران می‌گیرند و با ویرایش آن آماده نشر می‌سازند. روزنامه‌ها و مجلات از این حالت در بسیاری از کشورها خبر داده‌اند. نظر جناب عالی درباره این حالت اگر در جوامع عربی و اسلامی ما بزرگ و فراگیر شود چیست؟ آیا این حالت، خطری بر وضعیت فرهنگی و فکری ما نخواهد بود، به گونه‌ای که کسی که هیچ شایستگی ندارد، به صدر و مقام بالا صعود می‌کند، در حالی که ابتکارکننده حقیقی تحت خط فقر و نیازمندی دست و پا می‌زند و از نوآوری و ابتکار خود هیچ بهره‌ای نمی‌برد؟

جواب:

بلی! این حالت خطر بزرگی برای جامعه است؛ زیرا موجب عقب‌ماندگی می‌شود. از همین رو، بر دولت اسلامی و مقامات مربوطه است که اندیشمندان و نوآوران را با همه وسایل ممکن برای ابتکار و اختراع تشویق کنند، تا همواره یک گام به پیش حرکت کنند. اما عمل خریدن موضوعات و افکار از نویسندگان، در ذات خود جایز است و اشکالی ندارد.

تکلیف شرعی نویسندگان در شرایط فعلی عراق

سؤال ۷۵:

به نظر جناب شما تکلیف شرعی که باید نویسندگان بدان متعهد باشند، در شرایط فعلی که امت با یک نقطه عطف تاریخی مواجه است، مخصوصاً

در عراق و اشغال آمریکایی - بریتانیایی، و آنچه در این کشور می گذرد، چیست؟

جواب:

وظیفه علما، فرهنگیان و اندیشمندان و بلکه همه اقشار و طوایف مردم در شرایط فعلی اتحاد، توحید صفوف، توحید کلمه، دعوت به آرامش، ثبات و امنیت، دوری از هر چیزی که موجب فتنه و آشوب در کشور شود، واردنشدن در مسایل فتنه انگیز و فسادآمیز، همبستگی، همگرایی و وفاق در برابر توطئه‌ها و برنامه‌های دشمنان است. تنها در این صورت مردم، به پایان دادن به اشغال و رسیدن به استقلال، قادر خواهند شد نه با تفرقه و آشوب و روشن کردن آتش فتنه. دست زدن به آشوب و فتنه و تفرقه، بهانه‌ای برای بقا و دوام اشغال و نرسیدن به استقلال خواهد شد؛ زیرا اشغال بر مردم تحمیل شده، نه خواسته آنان بوده و نه ختم آن به خواست آنان خواهد بود و در آغاز هم در جهت نفع آنان نیامده است. بلکه تنها به خاطر منافع خود اشغالگر، این حالت ایجاد شده است. نباید فراموش کرد که مردم باید قدر این نعمت آزادی را که بدون اختیار و به طور قهری ایجاد شده، بدانند و از این نعمت استفاده کنند، نه این که آن را وسیله‌ای برای آشوب و هرج و مرج در کشور قرار دهند. در غیر این صورت، خدمت بزرگی به اشغالگر کرده و زمینه بقا و دوام آن را در کشور فراهم خواهند ساخت.

انتساب دیوان‌های شعر به ائمه (ع)

سؤال ۷۶:

نظر جناب عالی راجع به دیوان‌های شعری که به ائمه (ع) نسبت داده می‌شود، چیست؟ مثل دیوان شعر منسوب به امام علی (ع)، دیوان شعر منسوب به امام حسین (ع) و دیوان شعر منسوب به امام هادی (ع)؟ نسبت دادن این دیوان‌ها به ائمه (ع) تا چه حد صحت دارد؟

جواب:

این نسبت، ثابت نشده است.

توهین و تکفیر نسبت به مذهب شیعه و شیعیان

سؤال ۷۷:

تعداد زیادی از کتاب‌ها، جزوه‌ها و نشریاتی که در کتاب‌فروشی‌های مختلف در کشورهای عربی و اسلامی فروخته می‌شود، پُر است از توهین، مذمت و تکفیر نسبت به شیعیان و مذهب شیعه، در حالی که این حکومت‌ها چاپ پاسخ‌های علمای شیعه بر این کتاب‌ها را هم اجازه نمی‌دهند. همچنین حتی وارد شدن کتاب‌های مشتمل بر ردّ آن‌ها را هم اجازه نمی‌دهند. نظر جناب عالی در مورد عمل این حکومت‌ها چیست؟ و تکلیف شرعی ما در قبال این پدیده چه می‌باشد؟

جواب:

وظیفه در برابر این پدیده، دفاع از مذهب به صورت مسالمت‌آمیز، منطقی و بدون تقبیح و محکوم‌کردن است؛ زیرا تقبیح و برخورد تند، منشأ فتنه و باعث تحریک احساسات دیگران می‌گردد. اگر چاپ و نشر در داخل آن کشور امکان نداشته باشد، در کشور دیگر چاپ گردد و به هر وسیله ممکن دیداری و شنیداری نشرگردد.

استفاده از سمبول‌های تمدن‌ها و ادیان دیگر در ادبیات

سؤال ۷۸:

برخی از شاعران و نویسندگان در سروده‌های شعری و آثار داستانی خود از سمبول‌های تمدن‌ها و ادیان دیگر که برخی از آن‌ها ادیان شرک و الحادی نیز می‌باشد، استفاده می‌کنند. هنگامی که اعتراض می‌شود، پاسخ آنان این است که این عمل از باب تعامل و ارتباط و گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌های انسانی با همدیگر است؛ ولی هنگامی که خواننده، این تولیدات شعری و داستانی را می‌خواند تحت تأثیر این سمبول‌ها قرار می‌گیرد و چه بسا ممکن است این تأثیرات جنبه منفی هم داشته باشد. زیرا تحت تأثیر فرهنگ‌ها و افکار مغایر با افکار اسلامی مبتنی بر توحید، قرار خواهند گرفت. نظر جناب‌عالی در این مورد چیست؟

جواب:

هرگاه این اشعار تأثیرات منفی داشته باشد، سرودن آن جایز نیست.

تهیه رساله دانشگاهی توسط کسی دیگر

سؤال ۷۹:

برخی از محصلین تحصیلات عالی در دانشگاه‌ها در آماده کردن رساله (تز)های دانشگاهی خود، با نویسندگان دیگری توافق می‌کنند تا این رساله‌ها را در مقابل مبلغ پول، نوشته و آماده کنند و سپس آنان بعد از این که برای آمادگی دفاع، رساله تهیه شده را به دقت خواندند و مطالعه کردند، به این عنوان که خود آن را تهیه کرده‌اند، به مقامات مربوطه دانشگاه تقدیم می‌کنند و بعد هم با دروغ و تزویر به درجه ماستری یا دکتری نایل می‌شوند. نظر شریعت در مورد این دانشجویان چیست؟ همچنین نظر شریعت در مورد کسی که رساله دانشگاهی را به نیابت از دیگری تهیه کرده چیست؟

جواب:

این عمل جایز نیست. چنان که عمل کسی که به نیابت از دیگری به نوشتن رساله می‌پردازد، نیز جایز نیست.

خریداری کتاب‌های ادیان دیگر

سؤال ۸۰:

آیا برای مسلمان جایز است که کتاب‌های آسمانی ادیان دیگر غیر از اسلام را علی‌رغم وجود تحریف و تزویر در آن‌ها خریداری کند؟

جواب:

بلی! جایز است و اشکالی ندارد. وجود تحریف و تزویر مانع جواز خریدن نیست.

نقل حدیث بدون اطمینان از صحت سند

سؤال ۸۱:

آیا برای نویسنده یا استاد جایز است که به حدیثی از احادیث پیامبر(ص) یا ائمه(ع) استشهاد کند، بدون این که درباره عبارت حقیقی آن متیقن باشد، به گونه‌ای که نقل به معنی نماید و در عین حال به پیامبر یا یکی از ائمه(ع) نسبت دهد؟

جواب:

استشهاد به آن جایز است به عنوان این که در فلان کتاب روایت شده است و به عنوان این که سخن پیامبر(ص) یا یکی از ائمه(ع) است جایز نیست، مگر این که در باره صحت سند آن مطمئن شود.

نقل به معنای آیات قرآن

سؤال ۸۲:

درباره آیات قرآن کریم چطور؟ آیا نویسنده یا کنفرانس دهنده یا سخنران می تواند بدون اطمینان از نص حقیقی آیه قرآن، مضمون و

معنای آن را نقل کند و این نقل به معنا را یادآوری هم کند؟ اگر اصلاً یادآوری هم نکند چطور؟

جواب:

استشهاد به عنوان آیه قرآن، بدون اطمینان از نص حقیقی آن جایز نیست.

ترجمه نادرست قرآن کریم

سؤال ۸۳:

نظر جناب عالی چیست درباره ترجمه قرآن کریم به زبان‌های خارجی توسط مترجمان غیر ماهر و ناوارد که گاهی در ترجمه مرتکب خطا هم می‌شوند، به گونه‌ای که برخی از معانی قرآنی را طوری نقل می‌کنند که معنای حقیقی آیات را انتقال نمی‌دهد. اگر این کار غیر عمدی باشد نظر جناب عالی چیست؟ اگر مترجم از روی عمد و به منظور گمراه‌ساختن یا تحریف کلام خداوند این کار را انجام داده باشد، چه حکم دارد؟

جواب:

ترجمه برای افراد غیر ماهر و ناوارد که بدانند در ترجمه مرتکب خطا می‌شود، به گونه‌ای که مناسب شأن قرآن و صدور آن از جانب خداوند نباشد، جایز نیست. اما اگر ندانند که خطا می‌کند و یا این که خطا جزئی باشد اشکال ندارد. اما اگر تحریف و تفسیر به غیر معنای اصلی، از روی عمد و از قصد باشد جایز نیست.

چاپ قرآن در چاپخانه غیر مسلمان

سؤال ۸۴:

آیا چاپ قرآن شریف در چاپخانه‌ای که مالک یا کارکنان آن غیر مسلمان باشد، چه در کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی، جواز دارد؟

جواب:

بلی! جایز است و اشکالی ندارد، مشروط بر این‌که از نگاه عرف اهانت به قرآن شمرده نشود.

گذاشتن قرآن کریم در قفسه کتاب یا بر کرسی

سؤال ۸۵:

آیا گذاشتن قرآن به عنوان یک کتاب مقدس آسمانی، در قفسه کتاب در کنار کتاب‌های دنیوی جایز است؟ آیا این یک نوع اهانت به کتاب خداوند نیست؟ نظر جناب عالی چیست در مورد کسی که قرآن را روی کرسی خاص می‌گذارد، به طور دائمی در کنار مصلاهی که معمولاً در منزل خود در آنجا نماز می‌گذارد، با توجه به این‌که مصلی و کرسی قرآن در روی زمین قرار دارد؟

جواب:

بلی! جایز است و این اهانت به قرآن شمرده نمی‌شود. همچنین گذاشتن قرآن بر روی کرسی خاص اشکالی ندارد.

چاپ قرآن با کامپیوتر توسط شخص جنب

سؤال ۸۶:

آیا چاپ قرآن توسط شخص جنب، با دستگاه کامپیوتر و بدون لمس نوشته ورقی که با این دستگاه چاپ می‌شود، جایز است؟

جواب:

بلی! چاپ قرآن کریم با دستگاه کامپیوتر جایز است.

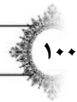
تفسیرهای نادرست قرآن کریم

سؤال ۸۷:

هر از چند گاهی در کتاب‌های عامه، تفسیرهای ارتجالی و بدون مطالعه را در مورد آیات قرآن یا حدیث شریف می‌خوانیم که هیچ مستند علمی نداشته و از نگاه موازین علمی، تفسیرهای نادرست و خطا می‌باشند. آیا بر کسانی که توانایی علمی دارند واجب است که این نوع نوشته‌ها را نقد و ردّ کنند و با ذکر خطاهای آنها، به تفسیر مشهور و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و به آنچه موافق عقل و اجماع باشد، ارجاع دهند؟

جواب:

ردّ و نقد این نوع نوشته‌ها واجب نیست، بلکه گاهی این ردّ و نقدها موجب مفسده می‌شود.



استفاده از متد شک در مطالعات قرآنی

سؤال ۸۸:

نظر جناب عالی چیست درباره «متد شک» در مباحث علمی؛ بدین ترتیب که پژوهشگر طرح موضوعات علمی را به خاطر روشن نبودن مسأله و یا عدم یقین کامل، با شک و تردید و طرح سؤال‌های منطقی آغاز می‌کند و سپس به تدریج جستجو را ادامه می‌دهد تا به حقیقت موضوع نایل گردد؟ آیا می‌توان از این متد در مطالعات قرآنی نیز استفاده کرد، مثل بررسی برخی از حقایق طبیعت که قرآن به آن‌ها اشاره کرده و علم هم هنوز به بحث درباره آن‌ها ادامه می‌دهد؟

جواب:

استفاده از این روش اشکالی ندارد. ولی نمی‌تواند آنچه را که از طریق مطالعه، پژوهش، حدس و اجتهاد به آن می‌رسد، به خداوند متعال نسبت دهد.

علم جدید و مسایل غیبی

سؤال ۸۹:

قرآن کریم به پاره‌ای از مسایل مربوط به مرگ مانند: روح، قبض روح در حال مرگ، عالم برزخ، روز نشر، قیامت و غیره اشاره کرده است. آیا بحث در این مسایل برای علم جدید به طور مطلق و دایمی محال است یا این که از نگاه عقلی بحث درباره آن‌ها امکان‌پذیر است؟



جواب:

بلی! برای علم جدید محال است که به این مسایل دست پیدا کند؛ زیرا این مسایل از امور غیبی است که جز خداوند یا کسی که خداوند بخواهد مانند پیامبر اکرم(ص)، از آن‌ها آگاهی ندارد.

ذکر منبع و سند حدیث

سؤال ۹۰:

شهرت صحت بسیاری از احادیث باعث شده که بسیاری از نویسندگان به راویان آن‌ها اشاره نکنند و در این رابطه برخی از علمای عامه بر برخی از نویسندگان شیعه خرده می‌گیرند که چرا منبع و سند حدیث را ذکر نمی‌کنند و تنها به ذکر متن اکتفا می‌نمایند؟ به نظر جناب عالی آیا ذکر منبع و سند واجب است یا این که ذکر منبع کافی است؟

جواب:

هرگاه ذکر منبع و سند، فایده و اثر مثبت داشته باشد، باید نویسنده آن را ذکر کند.

عدم ثبوت صحت برخی روایات

سؤال ۹۱:

در برخی از احادیث آمده است که هر کس یک بیت شعر درباره

پیامبر (ص) یا ائمه (ع) بنویسد، یک خانه در بهشت به او داده می‌شود. صحت این نوع احادیث در چه حد است؟
جواب:

صحت این احادیث به اثبات نرسیده است. ولی عمل به آن‌ها به عنوان رجاء اشکال ندارد.

سؤال ۹۲:

روایاتی، از «ملاحم و فتن» یعنی جنگ‌ها و آشوب‌ها در تاریخ سخن می‌گوید. صحت این روایات در چه حد است؟ آیا آن‌ها در میراث اسلامی ما ریشه و اساسی دارد؟

جواب: این مسأله در میراث اسلامی ما اساس و بنیادی ندارد و روایات وارده در این موضوع، بی‌اساس است.

سؤال ۹۳:

نظر جناب شما در مورد انتساب خطبه «البیان» به امام علی (ع) چیست؟
جواب:

نسبت این خطبه به امام امیرالمؤمنین (ع) صحت ندارد.

مظلومیت حضرت فاطمه (ع)

سؤال ۹۴:

برخی از نظریاتی ظهور کرده که در مورد مظلومیت حضرت فاطمه زهرا(س) تردید کرده‌اند. بر این نظریات نقدها و ردهای زیادی نوشته شده که برخی از آنها به حد تحقیر، توهین، دشنام، ابله خواندن و حتی تکفیر هم رسیده است. نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب:

تکفیر جایز نیست مگر در صورت انکار توحید یا رسالت و یا انکار آنچه به انکار و تکذیب رسالت منجر شود، مشروط بر این که به این ملازمه، التفات و آگاهی وجود داشته باشد و گرنه موجب کفر نمی‌گردد.

اما در مظلومیت حضرت فاطمه زهرا(ع) بعد از رحلت پدرش از نگاه روایات و تاریخ، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. ولی اختلاف و مناقشه در این مسأله و دشنام، شتم، تقبیح و محکوم کردن‌ها، برای شیعیان سودی جز تفرقه ندارد و تنها دشمنان از آن سود می‌برند. این نوع مسایل باید با شیوه حکیمانه و با موعظه حسنه حل شود، نه با مشاجره و تقبیح و توهین. در غیر این صورت، مسایل، بیشتر پیچیده خواهد شد. در این مورد باید اطراف قضیه به یک راه حل برسند و تنها هدف همه، هم خدمت به مذهب

و مصالح عمومی طایفه باشد.

عدم ثبوت صحت برخی از روایات مربوط به عاشورا

سؤال ۹۵:

در برخی از کتاب‌ها، درباره برخی از روایات مربوط به سیره امام حسین (ع) و برخی از رویدادهای روز عاشورا مثل ازدواج قاسم بن الحسن (ع) با سکینه دختر امام حسین (ع) اظهار تردید شده است. نظر جناب عالی درباره این بحث‌ها به طور کلی و در خصوص ازدواج قاسم با سکینه چیست؟

جواب:

صحت ازدواج قاسم با سکینه ثابت نشده است. اما قضایا و رویدادهای عاشورا با همه خصوصیات آن ممکن است همگی مطابق واقع باشد. ولی برخی از این خصوصیات از طریق روایات صحیح به ما نرسیده است؛ نقل آن‌ها به قصد رجاء اشکال ندارد.

تکلیف دانشجویان در غرب در برخورد با بی‌حجابی

سؤال ۹۶:

دانشجویان ما که در غرب مشغول تحصیل هستند، با بسیاری از مشکلات و از آن جمله برخورد با بی‌حجابی مواجه هستند. این پدیده در غرب به عنوان یک امر طبیعی تلقی می‌شود و مظاهر آن در هر مکان و حتی در

کتاب‌های آموزشی دیده می‌شود. تکلیف شرعی دانشجویان ما در چنین حالاتی چیست؟

جواب:

نه تنها عکس زنان در کتاب بلکه حتی نگاه به زنان بی‌حجابی که اگر منع شوند، عمل نخواهند کرد، از نگاه شرع مجاز است، مشروط بر این که این نگاه از روی شهوت نباشد.

ضرورت اعلام خطا برای نویسنده

سؤال ۹۷:

هرگاه نویسنده‌ای بفهمد که در یکی از موضوعات خود که در کتاب، مجله و یا روزنامه‌ای نشر شده، اشتباه کرده است، تکلیف شرعی او چیست؟ آیا بر او شرعاً واجب است که خطای علمی خود را اعلام کند؟ مخصوصاً اگر این خطا باعث ضرر برای دیگران شود؟

جواب:

اگر خطا در بررسی نظریات علمی باشد، اعلام آن واجب نیست. اما اگر خطا در مسایل عملی باشد مثل این که فقیه در فتوای خود اشتباه کند مانند این که به جواز چیزی فتوا دهد که در واقع واجب یا حرام باشد، یا این که فتوا به وجوب دهد و در واقع حرام باشد و یا بالعکس؛ در این حالت لازم است که در صورت امکان، خطای خود را برای مردم اعلام کند. ولی اگر فتوا به وجوب یا حرمت دهد و

در واقع مباح باشد، اعلام واجب نیست. همچنین پزشک اگر خطاکند و بداند که خطای او به ضرر قابل توجه و یا به هلاکت کسی منجر می‌شود، باید اعلام کند و خطای خود را جبران نماید.

نشر عکس نویسنده زن در کنار مقاله وی

سؤال ۹۸:

نظر جناب عالی چیست در مورد نشر عکس زن نویسنده یا ادیب در کنار مقاله یا موضوع ادبی او در روزنامه‌ها و مجلات در کشورهای اسلامی، به گونه‌ای که عکس با حجاب باشد؟

جواب:

در صورتی که با حجاب باشد، اشکال ندارد، ولی کار خوبی نیست.

تلخیص و ساده‌سازی کتاب‌های آیت الله فیاض

سؤال ۹۹:

آیا اجازه می‌فرمایید که برخی از کتاب‌های جناب‌عالی برای استفاده خوانندگان جوان، مختصر و ساده شود یا این که لازم است اجازه گرفته شود و با یکی از نمایندگی‌ها یا یکی از وکلای شما هماهنگی به عمل آید؟

جواب:

در صورتی که فایده دینی داشته باشد، اشکال ندارد و به اجازه

خاص ما احتیاجی نیست؛ ولی باید تحت نظر یکی از وکلای ما صورت گیرد.

عکس و مجسمه ذی روح

سؤال ۱۰۰:

آیا شرعاً عکس کامل گرفتن از ذی روح و نشر آن در مجله، روزنامه یا کتاب جایز است؟

جواب:

تصویر ذی روح به نظر ما جایز است. اما ساختن مجسمه آن جایز نیست.

ساختن رنگ از ماده نجس

سؤال ۱۰۱:

آیا ساختن رنگ از ماده نجس جایز است؟

جواب:

اشکال ندارد. نهایت این که رنگ نجس باقی می ماند، اگر عمل صنعت رنگ، استحاله شمرده نشود.